

خانواده
مبلغان ۲۶

ماهنامه اطلاع‌رسانی، علمی، آموزشی
سال سوم - شماره ۲۶ - اسفند ماه ۱۴۰۳

هم خانه‌تکانی هم دل بگنیم

هوش هوشمند

توجه مقابل همراهِ

تربیت جایب و نابجا

شب قدر

انقلاب ما



مرکز پژوهش‌های تبلیغی مجتمع آموزشی پژوهشی تبلیغ

خانواده مبلغان

مرکز پژوهش‌های تبلیغی مجتمع آموزشی پژوهشی تبلیغ

اسفند ماه ۱۴۰۳ ش

۲۶



زیارت با معرفت
نکته کلیدی آهسیان نور است

mobileghakhtarvade.iusc.ir
98 10 1403 89516



خانواده مبلغان ۲۶

ماهنامه اطلاع‌رسانی، علمی، آموزشی
سال سوم - شماره ۲۶
اسفند ماه ۱۴۰۳ شمسی

شناسنامه

۱. مطالب «خانواده مبلغان» ویژه همسران و فرزندان طلاب و مبلغان است.
 ۲. مسئولیت مقالات و نوشته‌ها بر عهده نویسندگان است.
 ۳. مقالات و یادداشت‌های همه نویسندگان، به شرط برخورداری از موازین تبلیغی- پژوهشی، منتشر می‌شود.
 ۴. نقل مطالب با ذکر منبع مجاز است.
 ۵. ماهنامه در تلخیص و ویرایش مقالات و نوشته‌ها، آزاد است.
 ۶. با ارسال نظرات خود، ما را در رشد و بالندگی ماهنامه یاری نمایید.
- صاحب امتیاز: مرکز پژوهش‌های تبلیغی مجتمع آموزشی پژوهشی تبلیغ
 - مدیرمسئول: محمود مقدمی
 - سردبیر: احمد اسماعیلی
 - هیئت تحریریه: حسین ملانوری، اصغر اخوی، علیرضا زنگویی، مهدی هادی، محمد حامد مبینی‌راوندی، هاجر شعبانی موسی کلایه، سیده منیر سیدنتقیان، رضیه جبرئیل‌زاده، زینب رحیمی‌تالارپشتی.
 - مدیر هنری و صفحه‌آرا: سیدمحسن حسینی

نشانی: قم، زینبیل آباد، بیست متری فجر، خیابان دانش، مجتمع شهید صدوقی، فاز ۷، مرکز پژوهش‌های تبلیغی، دفتر ماهنامه خانواده مبلغان.

صندوق پستی: ۳۷۱۳۶۶۴۴

تلفن: ۰۵۳۳۱۳۲۵۶۴

پایگاه اطلاع‌رسانی: <http://mobaleghankhanvade.ismc.ir/>

فهرست

پیام فرمانده ۳

هم‌خانه‌تکانی هم‌دل بتکانیم ۴

دانش‌افزایی

حاج آقا مشکل‌گشا ۲۲ (مسجدآباد) ۶

همراهان ۱۵ (حیات‌بخش رسالت) ۱۱

سینهٔ ضرورتیه ۲۱ (احتیاس و استفرغ ۳۰) ۱۷

هوش هوشمندا ۲۲

شب قدر (دلنوشته) ۳۰

توجه متقابل همسران (اکسیر زندگی ۱۱) ۳۲

هنر عاشقی ۲ (عشق امام حسین و رباب علیه السلام) ۳۷

همراه اول تا آخر! (امپراتور و پرنسس) ۴۴

چی بخونیم؟ ۵۰

چراهای ریزه‌میزه ۱۱ (راه‌نورانی!) ۵۶

بازی-گوشی ۶۰

مهارت‌افزایی

صدای مشاور ۷ ۶۳

تربیت جابجا و نابجا ۶۸

بصیرت‌افزایی

انقلاب ما ۷۲

با مخاطبان

اجر شهید ۷۸



پیام فرمانده

اجر دنیوی عبد صالح است. در آخرت هم «مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسَنَ أَوْلِيكَ رَفِيقاً»؛^۱ آنجا هم عبد صالح در ردیف پیامبران است، در ردیف صدیقین است، در ردیف شهدا است. ماه رمضان یک چنین قدرتی دارد، یک چنین هنری دارد که انسان آگاه را، متوجه را، غیر غافل را، در این مراتب معنوی پیش ببرد.^۵



پی نوشت

۱. امالی، محمد بن علی ابن بابویه (شیخ صدوق)، انتشارات کتابچی، تهران، ۱۳۷۶، ص ۹۳.
۲. بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۴۰۲/۰۱/۱۵.
۳. انبیا/۱۰۵.
۴. نساء/۶۹.
۵. سخنرانی نوروزی در جمع اقشار مختلف مردم، ۱۴۰۳/۰۱/۰۱.

(ماه رمضان) ماهی است که «أَنْفَاسُكُمْ فِيهِ تَسْبِيحٌ وَ تَوَمُّكُمْ فِيهِ عِبَادَةٌ» ماه تلطیف دل و جان است. این زندگی مادی، به خصوص زندگی ماشینی، روابط ما را، درون ما را، باطن ما را، عملکرد ما را از لطافت می اندازد؛ مثل چرخه که احتیاج به روغن کاری دارد تا راحت بچرخد و سایش مضر نداشته باشد، ذکر و دعا در این ماه چنین نقشی را ایفا می کند؛ دل هایمان را، جان هایمان را، با تلاوت قرآن، با دعاهای شبانه روزی، با خود روزه، با شب قدر، تلطیف می کند.^۲

شما در ماه رمضان به سوی صلاح سیر می کنید، می شوید عبد صالح. خدای متعال در دنیا هم به عبد صالح وعده داده است که «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِيهَا عِبَادِي الصَّالِحُونَ»؛^۳ این

همخانه تکانی هم دل بیتکانیم

محمود مقدمی



و البته این روزها که روزهای فرماندهی بانوی خانه است، زودگذر است و باید تلاش کرد تا با سرعت هرچه بیشتر خانه را از هر بدی و ناپاکی، پاک و متحول کرد؛ چراکه به زودی توپ تحویل سال درمی شود و باید در لحظه تحویل سال، بانو و فرزندان با لباس های آراسته و

عید نزدیک است و خانم های کدبانو، مثل همیشه، آماده می شوند برای خانه تکانی. خیلی از وسایل کهنه را که در گوشه و کنار انباری خاک می خورد، دور می ریزند و بسیاری از زوایای پنهان خانه را تمیز می کنند. باید عنکبوت ها، این شیاطین خانه را بیچاره و خانه خراب کرد. البته در این میان، بچه ها و مردان هم، با میل یا اجبار، کمر همت و پیش بند خدمت می بندند و در زدودن کهنگی ها و خراب کردن خانه های عنکبوت تلاش می کنند.

آقای خانه است، اما خطاب قرآن در ﴿قُوا
أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ...﴾ فقط مرد نیست.

و صدآلبتّه کیست که نداند پشت هر
موفقیت مردانه‌ای، لطافت و حمایت
زنانه‌ای هم هست و تا وقتی که بانو
بساط معنویت و سفرهٔ نزول رحمت را
نگستراند، عقدهٔ دل باز نمی‌شود و رابطهٔ
عاشقانه با محبوب مطلق سر نمی‌گیرد.
پس بیاییم دست‌به‌دست هم دهیم و
در تلاشی همدل و همراه، خانهٔ دل و خانهٔ
گل، هر دو را بروییم و پای هر شیطان و
شیطان‌بچه‌ای‌را از خانه‌و خانواده کوتاه کنیم.



معطر، کنار سفرهٔ هفت‌سین، لبخند
تحویل مرد خانه بدهند و عیدی بگیرند.
ماه مبارک رمضان نیز نزدیک است؛ همان
ماه عزیزی که بهار دل‌ها و بهار قرآن است.
امسال بهار طبیعت با بهار معنویت
همراه شده و همه آماده می‌شویم تا خانهٔ
دل را نیز غبارروبی کنیم. باید کهنگی را از
خانهٔ دل هم زدود. باید پای شیاطین را از
خانهٔ دل کوتاه کرد. باید خانه‌تکانی کرد.
جا دارد فرماندهٔ خانه و خصوصاً همسران
مبلغان، قبل از آنکه خانهٔ گل را آمادهٔ
بهار طبیعت کنند، خانهٔ دل را برای بهار
معنویت مهیّا سازند.

شاید بیراه نباشد اگر بگوییم هرچند در
خانه‌تکانی عید، بانو فرماندهی می‌کند، ولی
بدون همراهی و همدلی آقا، کارها جدی
پیش نمی‌رود و بچه‌ها هم کمر همت
نمی‌بندند. همچنین در خانه‌تکانی دل
و آماده شدن اهل خانه برای استقبال از
ماه میهمانی خدا، هرچند فرماندهی با

پی‌نوشت

۱. تحریریم / ۶.



حاج آقا مشکل گشا ۲۲

محمد حسن شهبازی - دانش پژوه سطح ۳ تخصصی تبلیغ

مسجدِ آباد

قبل، حدس می‌زدم که چه آسیب‌هایی می‌تواند در مسجد و جایی که سال‌ها روحانی ندارد، وجود داشته باشد.

همان چند روز اول سعی کردم این مسئله را میدانی و از نزدیک ببینم تا بتوانم درست و دقیق تصمیم بگیرم و فضای مسجد را، به مدد الهی، گرم‌تر کنم.

ظرفیت بالای کودکان و نوجوانان می‌توانست موقعیت خوبی را برای حضور افراد زیادی به

مسجد کوچکی که واقعاً نیاز به تعمیر دارد و چند تا پیرمرد و پیرزن و گاهی دو تا نوجوان همسایه مسجد با مادرشان می‌آیند.

ورود من به برای اولین بار به آن روستا و مسجدی که سال‌ها روحانی به آنجا نرفته بود، برای بعضی ناخوشایند بود و برای بعضی دیگر هم طبیعتاً خوشایند. چند روز مانده به ماه مبارک رمضان و از

رو به **اهل بیت** علیهم السلام، خصوصاً حضرت زهرا علیها السلام، قسم می‌دادم تا گره‌ها رو باز کنه. از اونجایی که چند روز تا ماه مبارک مونده بود، اولین کاری که به ذهنم رسید این بود که منزل تک‌تک اهل‌الی روستا برم و به شون سر بزنم، خودم رو معرفی کنم و اگه کودک یا نوجوونی توی خونه دارن، اون‌ها رو با بیان جذاب و به‌بهبونه‌هایی مثل بازی و سرگرمی و قصه‌گویی، به مسجد دعوت کنم.

روز اول تقریباً ده‌پونزده‌تا خونه رفتم و مردم از اینکه یه روحانی اومده بود منزلشون و یه هدیه‌ای مثل مهر و تسبیح و قرآنی، به اهل خونه می‌داد، خوشحال می‌شدن و این کار برایشون جذاب بود.

همون روز اول، یه ساعت مونده به غروب، تقریباً ده تا کودک و سه‌چهار تا نوجوون و چند نفر از بزرگ‌ترها به مسجد اومدن و جمعیت دوسه برابر قبل شد.

مسجد فراهم کند؛ ولی معضل و مشکلی وجود داشت: هم مسجد کوچک بود و هم هیچ وسیله‌ای و حتی پولی نبود تا بشود مسجد را برای حضور نوجوانان و کودکان جذاب کرد. با اینکه آن روستا افراد ثروتمند هم داشت، هیچ انگیزه‌ای برای کمک به کارهای عمرانی و فرهنگی مسجد نداشتند. در عمل باید در یک ماه مبارک رمضان به جنگ تمام‌عیار با دلسردی مردم محل و بی‌انگیزگی افراد مؤثر می‌رفتم.

کار باید در عین دقت و حوصله، با کیفیت خوب و سرعت مناسبی جلو می‌رفت. واقعاً سخت بود.

این‌ها بیان اولین تجربه موفق حاج‌آقا صالح‌پرور در جمع طلاب و مبلغان ماه مبارک رمضان بود.

حاج‌آقا ادامه داد: واقعاً هیچ راهی جز توسل به **حضرت زهرا** علیها السلام نداشتم. شب اول تا صبح در مسجد موندم و فقط خدا

خیلی خوشحال شدم و خدا رو شکر کردم. از امروز کار من شروع می‌شد. اول باید ایجاد انگیزه می‌کردم. به بچه‌ها گفتم اگه کسی چند نفر بیاره مسجد، بهش امتیاز می‌دم و آخر ماه مبارک، طبق امتیازات جایزه می‌گیره.

کمیتر از سه روز، مسجد پر شد از کودک و نوجوون، به حدی که جا نبود. ولی باز هم به چند مشکل جدی و بزرگ برخوردیم: اون منطقه هواش گرم بود و مسجد بدون کولر و فضای کوچک و سروصدای زیاد بچه‌ها حوصله آدم رو سر می‌برد.

تصمیم گرفتیم همه بزرگان و ریش سفیدان روستا رو به مسجد دعوت کنیم تا به این امور مهم رسیدگی بشه. باز هم توسلی به **اهل بیت** علیهم السلام و قرآن که خودشون کار رو پیش ببرن. واقعاً به نظرم این طور بود که اگه لحظه‌ای این‌ها رو از خودم می‌دونستم، نه از خدا و اهل بیت علیهم السلام، کار به هم می‌خورد.

اهل روستا از نظر مالی واقعاً ضعیف بودن و اون تعداد محدودی هم که می‌تونستن کمک مالی کنن، انگیزه‌ای نداشتن. البته راست هم می‌گفتن. می‌گفتن شما که الآن اومده‌ید مسجد، شلوغ شده. وقتی برید، باز هم همون آش و همون کاسه‌ست و مسجد باکلی هزینه خلوت می‌شه.

یه لحظه ذهنم رفت به طلبه جوونی که در شهر، نزدیک اون روستا بود و انگیزه کار داشت. به اهالی روستا یه پیشنهاد دادم که استقبال کردن. گفتم: شما نگران این نباشید. بنده هماهنگ می‌کنم هر هفته پنج‌شنبه و جمعه یه روحانی می‌فرستیم اینجا و خودم هم تمام مناسبت‌های تبلیغی می‌آم‌همین منطقه.

یه مقداری انگار دلگرم شدن؛ ولی هنوز تردید داشتن. باید چند روزی می‌گذشت تا این پیشنهاد و کارهای من بیشتر دیده بشه.

اصرار نکردم و فقط گفتم حداقل روزی یه وعده به مسجد بیاید. (هدف منس

این آیه رو خوندم و ترجمه کردم: ﴿إِنَّمَا يَغْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَحْشَ إِلَّا لِلَّهِ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ﴾؛^۱
«مساجد خدا را تنها کسی آباد می‌کند که ایمان به خدا و روز قیامت دارد و نماز را بر پا می‌دارد و زکات می‌پردازد و جز از خدا نمی‌ترسد. امید است چنین گروهی از هدایت‌یافتگان باشند.»

و چند روایت دیگر از اهمیت هزینه کردن و عمران و آبادانی مسجد و اینکه اصل آباد بودن مسجد به حضور نمازگزاره؛ از جمله این حدیث نورانی رو:

«مسجد در میان مردمی که در آن نماز نمی‌خوانند غریب است. خداوند در روز قیامت نظر رحمت خود را از آن‌ها دریغ خواهد کرد.»^۲
یا روایتی که مسجد متروک و خراب رویکی از شاکیان روز قیامت معرفی می‌کنه؛ چند چیز به نزد خدای عزوجل شکایت می‌برند

اون افراد با مسجد و دیدن فضای جدید به وجود اومده بود.)
ولی سروصدای بچه‌ها می‌تونست کار رو خراب کنه و حضور بزرگ‌ترها به مسجد رو کم‌رنگ کنه. باید بین خود بچه‌ها انتظامات می‌داشتیم و هم امتیاز برای سکوت در موقع سخنرانی و نماز، که خدا رو شکر خیلی بهتر شده بود.



چند روزی هم از ماه مبارک گذشته بود و مسجد تقریباً بحمدالله رونق گرفته بود. روز هفتم یا هشتم ماه مبارک بود که تصمیم گرفتیم با جدیت بیشتری مسئله هزینه‌های مسجد رو به اهل اونجا گوشزد کنیم. بعد از افطار و شام توی مسجد، یه جلسه گرفتیم. اولش

بچه‌های نوجوون، بعد از سال‌ها کار مداوم، هم تعدادی طلبه شده‌ن و کار فرهنگی خوب و قوی انجام می‌دن و هم اینکه جلسات و برنامه‌های متنوع باعث شد یه سال در استان به‌عنوان بهترین مسجد معرفی بشه.



که یکی از آن‌ها مسجد ویرانی است که مردمش در آن نماز نمی‌خوانند.^۳

بعد هم از حرمت مسجد براشون گفتم، که به‌طور مثال اگه مسجد نجس بشه و فرصت برای نماز باشه، تطهیر مسجد بر نماز اولویت داره؛ چراکه اینجا نماز

«واجب مَوْشَع»^۴ و طهارت مسجد «واجب مُضَيِّق»^{۴ و ۵}.

حدود یه سالی طول کشید که مسجد کاملاً عوض شد و این هم از لطف خدا و اهل بیت علیهم‌السلام بود. همون مسجد الان سال‌هاست که آباده و از بین همون

پی‌نوشت

۱. توبه / ۱۸.

۲. «مَسْجِدٌ غَرِيبٌ فِيمَا بَيْنَ قَوْمٍ لَّا يُصَلُّوْنَ فِيْهِ اِنَّ اللّٰهَ تَعَالٰى لَا يَنْظُرُ اِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (بحار الأنوار، محمدباقر مجلسی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۹۰، ج ۷۸، ص ۱۱۵).

۳. «ثَلَاثَةٌ يَشْكُوْنَ اِلَى اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ: مَسْجِدٌ خَرَابٌ لَا يُصَلِّي فِيْهِ اَهْلُهُ وَ عَالِمٌ بَيْنَ جِهَالٍ وَ مُضْحَفٌ مُّعَلَّقٌ قَدْ وَقَعَ عَلَيْهِ اَلْغُبَاظُ لَا يُقْرَأُ فِيْهِ» (اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۶۱۳).

۴. واجب مَوْشَع به‌واجبی گفته می‌شود که مقدار زمانی که شارع برای آن معین فرموده است، بیشتر از مقدار زمان لازم برای انجام دادن آن است. واجب مُضَيِّق به‌واجبی گفته می‌شود که زمان تعیین شده برای آن از طرف شارع به‌اندازهٔ نفس عمل و انجام دادن آن باشد؛ مانند روزه که زمان آن از آغاز طلوع فجر تا غروب آفتاب است.

۵. دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری علیه‌السلام؛ <https://B2n.ir/y53652>.



محمدحسن خدای - دانش آموخته حوزه علمیه

حیات بخش رسالت

همراهان ۱۵

پیامبرِ دینِ خدا هجوم می‌بردند و از هیچ تهمت و آزاری دریغ نمی‌کردند. در این میان، یک زن همیشه یاور **محمد ﷺ** بود؛ یک زنِ جان‌فدا و سپرِ بلای پیامبرِ مهربانی‌ها بود؛ یک زن غم‌خوار و مونس غصه‌های مصطفی **ﷺ** بود: **أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ خدیجه علیها السلام**. حضرت خدیجه علیها السلام از مال و آبرو و احترام تا تمام وجود خود را برای

در روزگاری که تمام ارزش‌ها اهتمام به غرایز حیوانی، همچون خوراک و پوشاک و ثروت و شهوت بود و ندای مظلومیتِ دختران زیرِ خروارها خاک به گوش کسی نمی‌رسید، از میان تاریکی‌ها نورِ رسالت برخاست تا زندگی انسانی و الهی را بنمایاند و کلمه **«لا إله إلا الله»** جهانِ مرده را حیات بخشد. اما طبق معمول، حزب طاعت بی‌وقفه به

نوری در ظلمات

«كَانَتْ حَدِيحَةَ تُدْعَى فِي الْجَاهِلِيَّةِ الطَّاهِرَةَ»^۲ خدیجه علیها السلام در جاهلیت "طاهره" خوانده می‌شد. در آن زمان که جزیره العرب ملامال از پستی بود و اقوام عرب با وحشی‌گری به غارتگری می‌پرداختند، خدیجه علیها السلام چون نوری در قلب ظلمات با پاکی و پارسایی زندگی می‌کرد؛ به‌گونه‌ای که به او در همان دوران جاهلیت لقب «طاهره» داده بودند. مورخان بارها از او با عناوین «بانوی دورانیش و خردمند»^۳ و «بانوی عاقل و باسرافت» یاد کرده‌اند.^۴ بهترین دلیل بر دورانیشی، خردمندی و تقوای خدیجه علیها السلام آن است که در دوران جاهلیت، با آن همه زیبایی و ثروت فراوانش، هرگز خود را به گناه آلوده نکرد و به درجه رفیعی از پاکی و کمال نائل آمده بود. حضرت خدیجه علیها السلام در آن دوران، به‌خاطر ثروت زیادش، با

اعتلای اسلام فدا کرد. او هرآینه چون سربازی فداکار و مونس استوار در کنار شوهر بود و او را در راه این رسالت جهانی یاری می‌کرد.

در سایه‌سار خدیجه علیها السلام

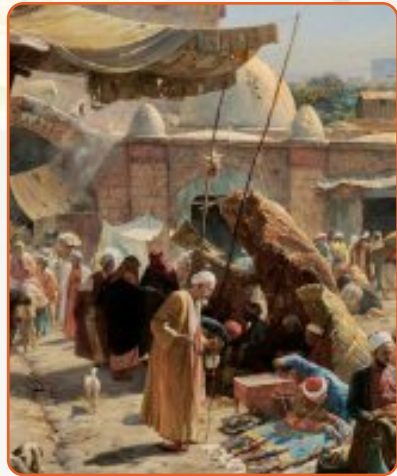
تنها نامی که برای این حضرت ذکر کرده‌اند «خدیجه» است. نام پدرش «خُوَیَلِد بن اسد» و نام مادرش «فاطمه»، دختر «زائده بن اصم» است.^۱ بنا بر نظر مورخان، خانواده او از ریشه‌دارترین خانواده‌های جزیره العرب بود.

پیامبر صلی الله علیه و آله تا آنگاه که خدیجه علیها السلام زنده بود، هیچ زن دیگری نگرفت و تا آخر عمر از هیچ زنی غیر از خدیجه علیها السلام هم فرزندی نداشت. همچنین خدیجه علیها السلام به مادری «سیده نساء العالمین»، حضرت صدیقه کبری، فاطمه زهرا علیها السلام، افتخار یافت که این نشان‌دهنده شایستگی و کمالات والای این بانوی آسمانی است.

مردانی قرارداد می‌بست تا با سرمایه‌
او تجارت و بخشی از سود حاصل
را دریافت کنند. آوازه‌ای که وی از
امانت‌داری، راست‌گویی و خوش‌خلقی
محمد صلی الله علیه و آله شنیده بود سبب شد تا به
آن حضرت پیشنهاد کند برای تجارت به
شام برود. حکایت کرد، او به ازدواجش با مرد

بزرگی تعبیر کرد.^۶

تا اینکه خدیجه نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و
گفت: «پسرعمو، من به سبب شرافتی
که تو در میان قریش داری و همچنین
امانت و راستی و خوش‌خلقی‌ای که به
آن‌ها ممتاز گشته‌ای، به شما علاقه پیدا
کرده‌ام و می‌خواهم به همسری شما
درآیم.»^۷ پیامبر صلی الله علیه و آله نیز پذیرفتند و این
وصلت آسمانی انجام گرفت، درحالی که
خدیجه صلی الله علیه و آله خودش مهر خود را ضامن
شد تا به وصال محبوب برسد. ایشان
پیش از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه از
احترام بالایی برخوردار بود. خانه‌اش



رسول خدا صلی الله علیه و آله اموال او را در شام
فروخت و با مبلغ حاصل اجناسی خرید
و به مکه آورد. او با فروش این اموال در
مکه بسیار سود کرد. وقتی خدیجه صلی الله علیه و آله

حضرت ابراهیم علیه السلام، از بهشت به یاری او آمدند و صدای گریه نوزاد در خانه رسالت پیچید.^۹



خدیجه علیها السلام و بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله

باتوجه به نشانه‌های فراوانی که خدیجه علیها السلام از پیامبر آخرالزمان شنیده بود، بعثت شوهرش را انتظار می‌کشید. زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله از غار حرا برگشت، به او مژده داد: «إِنِّي لَأَرْجُو أَنْ تَكُونِ نَبِيَّ هَذِهِ الْأُمَّةِ؛^{۱۰} من امیدوارم تو پیامبر این امت باشی.» پس از اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله رسالت خود را ابلاغ کرد، او بدون

محل رفت و آمد بود و زنان اقوام و محله پروانه وار دورش می‌گشتند؛ اما پس از این وصلت او را تنها گذاشتند و از خود طرد کردند. آن‌ها ازدواج خدیجه علیها السلام با آن همه ثروت با پیامبر صلی الله علیه و آله را که مال چندانی نداشت، ننگ می‌دانستند و دائم لب به طعنه می‌گشودند: «لَمَّا تَزَوَّجَ بِهَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله هَجَرَتْهَا نِسْوَةٌ مَكَّةَ؛^{۱۱} بعد از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله، زنان مکه یک باره از خدیجه علیها السلام کناره گرفتند.» نه خودشان به خانه خدیجه علیها السلام می‌رفتند و نه به زنان دیگر اجازه دیدار با او را می‌دادند. اما او که دل‌داده رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، در

برابر این حجم فشار و آزار پای رسول خدا صلی الله علیه و آله ایستاد و خم به ابرو نیاورد. حتی آن هنگام که موقع تولد فاطمه علیها السلام بود، هیچ زنی در کنارش نبود تا او را در این امر مهم یاری رساند. تا اینکه دید چهار زن بهشتی، آسیه و مریم و کلثوم، خواهر موسی علیه السلام، و ساره، همسر

از اوضاع بهتری برخوردار شوند. او به پیامبر ﷺ عرضه داشت: «أَنَا وَ مَالِي وَ جَوَارِي وَ جَمِيعًا مَا أَمْلِكُ بَيْنَ يَدَيْكَ وَ فِي حُكْمِكَ»^{۱۳} خودم و مالم و کنیزانم و هر آنچه در مالکیت من است، در اختیار تو و تحت

حکم توست.» تمام مال خدیجه رضی الله عنها در سه سال شعب ابی طالب خرج شد تا آذوقه برای مسلمانان فراهم شود و اسلام زنده بماند. پیامبر ﷺ فرمود: «مَا نَفَعَنِي مَالٌ كَمَا نَفَعَنِي مَالٌ خَدِيجَةَ»^{۱۴} هیچ مالی به من سود نرساند آن چنان که مال خدیجه رضی الله عنها به من سود رساند.»

جایگاه خدیجه رضی الله عنها نزد پیامبر ﷺ

حضرت خدیجه رضی الله عنها پس از شعب ابی طالب، به خاطر بیماری به وجود آمده از سختی‌های این سه سال، درگذشت و آن قدر این سال، که وفات مؤمن قریش، حضرت ابوطالب رضی الله عنه، هم بود، بر مسلمانان سنگین آمد که «عام الحزن» یعنی «سال

ذره‌ای تردید ایمان آورد و اولین زن مسلمان شد.» او همراه علی رضی الله عنه و پیامبر ﷺ، در همان ابتدا، بی هیچ ترسی از اشراف قریش، در مسجد الحرام به نماز می ایستاد.^{۱۲}

حمایت از پیامبر رضی الله عنه

حضرت خدیجه رضی الله عنها چون کوهی استوار در کنار پیامبر ﷺ بود تا پیام توحید به گوش تشنگان معرفت برسد. به حمایت‌های او می‌توان در دو بخش اشاره کرد:

اول) حمایت‌های اجتماعی:

حضرت خدیجه رضی الله عنها به سبب برخورداری از جایگاه والای اجتماعی، توانست بارها پیامبر ﷺ را از شر نادان‌ها برهاند.

دوم) حمایت‌های مالی:

او توانسته بود از راه تجارت مال فراوانی به دست آورد؛ اما به زر و زینت دنیا دل نبسته بود. همهٔ مالش سرمایهٔ اسلام و در اختیار پیغمبر ﷺ بود تا به واسطهٔ آن اموال، اسلام پیشرفت کند و مسلمانان

اندوه) نام گرفت. پیامبر ﷺ همیشه به یاد خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ بود و بارها نزد همسرانش از او یاد می‌کرد. ام سلمه می‌گوید: پیامبر ﷺ می‌فرمود: «**خَدِيجَةُ! وَأَيْنَ مِثْلُ خَدِيجَةَ؟! صَدَقْتَنِي حِينَ كَذَّبْتَنِي النَّاسُ... وَ أَعَاتَنِي عَلَيْهِ بِهَا...!**»^{۱۵} خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ! کجاست مثل خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ! هنگامی که مردم مرا تکذیب کردند، او مرا تصدیق و به واسطه مالش یاری کرد...» در آرامش می‌یافت.^{۱۷}

جایی دیگر پیامبر ﷺ به اصحابش فرمود: «از مردان، بسیاری به کمال رسیدند؛ اما از زنان به کمال نرسیدند، مگر مریم، دختر عمران، و آسیه، دختر مزاحم، و خدیجه، دختر حُوَیْلِد، و فاطمه، دختر محمد.»^{۱۶} مسلم می‌گوید: خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ وزیر پیامبر ﷺ بود؛ اسلام را تصدیق کرد و پیامبر ﷺ از او آرامش می‌یافت.^{۱۷}

پی‌نوشت

۱. أعلام النساء في العالمي العرب و الإسلام، عمر رضا كخالة، انتشارات مؤسسة الرسالة، بيروت، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۲۶.
۲. أعلام الهداية، انتشارات المجمع العالمي لأهل البيت عليهم السلام، بيروت، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۶۷.
۳. تاريخ طبري، محمد بن جرير طبري، انتشارات مؤسسة أعلمی، بيروت، ۱۹۸۳، ج ۲، ص ۲۸۰.
۴. سير أعلام النبلاء، محمد بن احمد ذهبي، انتشارات مؤسسة الرسالة، بيروت، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۱۱.
۵. أعلام النساء في العالمي العرب و الإسلام، عمر رضا كخالة، ج ۱، ص ۳۲۷.
۶. بحار الأنوار، محمد باقر مجلسي، دار إحياء التراث العربي، بيروت، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۱۰۴.
۷. همان، ص ۹.
۸. الأمالي، محمد بن حسن طوسي (شيخ طوسي)، انتشارات دار الثقافة، قم، ۱۴۱۴ق، ص ۵۹۳.
۹. مناقب آل ابي طالب عليهم السلام، ابن شهر آشوب مازندراني، انتشارات ذوی القربی، قم، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۳۴۰.
۱۰. همان، ج ۱، ص ۷۲.
۱۱. منتهی الآمال، شيخ عباس قمي، انتشارات هجرت، قم، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۱۰۲.
۱۲. الإرشاد، محمد بن محمد بن نعمان (شيخ مفيد)، ترجمه محمد باقر ساعدي، انتشارات اسلاميه، ۱۳۸۰، ص ۳۰.
۱۳. بحار الأنوار، محمد باقر مجلسي، ج ۱۶، ص ۵۵.
۱۴. أعيان الشيعة، سيد محسن امين، انتشارات دارالتعارف، بيروت، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۰.
۱۵. سفينة البحار، شيخ عباس قمي، انتشارات اسوه، قم، ج ۲، ص ۵۷.
۱۶. الفصول المهمة، ابن صباغ مالكي، انتشارات أعلمی، تهران، ۱۳۷۵، ص ۳۸۱.
۱۷. صحيح مسلم، مسلم بن حجاج نيشابوري، انتشارات دار الكتب العلمیة، بيروت، ۱۳۲۸ق، ج ۵، ص ۲۴۳.



سه ضروریه ۲۱

احتباس و استفراغ (۳)

اکرم کاوری - دانش آموخته دوره طب ایرانی - اسلامی

روش‌های مختلف استفراغ کردن

به وسیله غذا گفته می‌شود و یکی از راه‌های پاک‌سازی دستگاه گوارش فوقانی و اعضای مجاور است. امروزه این روش در درمان بسیاری از مسمومیت‌های خوراکی و دارویی متداول است.

قی پاک‌کننده معده است؛ چون باعث می‌شود پرزهای معده به طرف بالا بیایند

روش‌های مختلفی برای استفراغ یا خارج کردن مواد زائد از بدن وجود دارد که بسته به نوع ماده اضافی و جایگاه آن در بدن، راه استفراغ آن ماده پیشنهاد می‌شود.

❶ **قی کردن:** قی به خارج کردن محتویات معده (چه برآثر داروهای قی‌آور و چه

های جسمی و استفاده از دستگاه‌های
خنک‌کننده، مثل کولر، در فصل گرما، این
استفراغ طبیعی به خوبی انجام نمی‌شود.
تعریق بر دو نوع است:

۱. **تعریق طبیعی مانند فعالیت بدنی،**
استفاده از گرمابه (حمام‌های سنتی) و...؛
۲. **تعریق با استفاده از دارو.** (باید توجه
داشت که در حال تندرستی ایجاد تعریق
پیشگیرانه از طریق دارو زیان‌آور است؛
درحالی که ورزش با گرم کردن درون و
گذاختن فضولات باعث دفع طبیعی آن‌ها
از طریق تعریق می‌شود).



تعریق یکی از بهترین روش‌های عمومی برای
پیشگیری و درمان کرونا یا آنفلوانزا است.

و معده تمیز شود. قی‌اشتها را برمی‌انگیزد
و تمایل خوردن مواد غیرطبیعی، مثل گِل
(هنگام و یار برخی زنان باردار)، را از بین
می‌برد. همچنین قی کردن در فصل بهار
برای تقویت معده و دفع اخلاط معده
مفید است.

۲) **ادرار:** دفع مواد زائد ناشی از هضم دوم
غذا (هضم دوم در کبد اتفاق می‌افتد)
از طریق ادرار صورت می‌پذیرد و در صورتی
که به اندازه نیاز انجام شود، منافع زیادی
خواهد داشت. ادرار بول (افزایش دادن
ادرار با استفاده از مُدّر بول)، در کاهش
درد مفاصل، احساس خستگی و درمان
بیشتر بیماری‌هایی که رطوبت در آن
نقش دارد (کرونا و آنفلوانزا و...) از تدابیر
مهم به شمار می‌آید.

۳) **تعریق:** یکی از روش‌های پیشگیری
(حفظ صحت) و نیز درمانی، تعریق است.
دفع عرق برای سلامتی ضروری است که
متأسفانه امروزه به علت کاهش فعالیت

ورمی که به دنبال ضربه به سر پدید آمده یا درد شدید سیاتیک، به کار می‌رود. تمام این روش‌های گفته شده روش‌های دفع مواد زائد از بدن انسان است. این استفراغات اگر به صورت طبیعی صورت نگیرند، طبیب برای درمان برخی بیماری‌ها روش‌های غیرطبیعی را برای دفع مواد زائد به کار می‌برد؛ به این معنا که با دفع برخی مواد زائد در بدن سعی در ایجاد تعادل در حالت کلی بدن دارد. کارهایی مثل ایجاد استفراغ در بیمار، ایجاد اسهال با استفاده از داروهای گیاهی، و انجام حجامت در بدن، همه جزو موارد غیرطبیعی برای دفع مواد زائد در بدن هستند.

از توصیه‌هایی که زیاد در طب ایرانی می‌بینیم این است که دو دفع یا دو استفراغ هم‌زمان برای بیمار انجام نشود. برای مثال نمی‌توان هم به بیمار داروی مُسهل داد و هم حجامتش کرد. این کار باعث ضعف در بدن بیمار می‌شود.

۱۴ دفع ترشحات مخاطی: به رطوبت‌های غلیظ و فضولاتی که از سر به منافذ بینی راه می‌یابند، مخاط گفته می‌شود. اگر این مخاط به طور طبیعی خارج نشوند، باید با تدابیر خاص، مانند غرغره یا عطسه کردن، آن را روان کرد و از بدن بیرون راند. این روش در درمان بیماری‌های دماغی (مغزی) که به سبب اخلاط غلیظ و چسبنده، مانند صرع و سکتة ایجاد می‌شوند، مفید است. نکته قابل توجه اینکه با مصرف آنتی‌بیوتیک و چرک خشک‌کن‌ها، مانع دفع این مواد زائد از بدن خود می‌شویم.

۱۵ قُصد: قُصد در لغت به معنی گشودن رگ است و در طب سنتی ایران یکی از انواع استفراغ است که از راه آن معمولاً مقداری خون از وریدهای بدن خارج می‌شود. قُصد از روش‌های درمانی قوی محسوب می‌شود و با شیوه‌های مختلف و در اوقات خاص، در درمان برخی بیماری‌ها، مانند افزایش غیرطبیعی خون و جلوگیری از

چند نکته

در طب سنتی ایرانی چه زمانی به بیمار کمک می‌کنیم تا بیشتر استفراغ کند؟ این عمل زمانی است که امتلاء (پُری) باشد؛ یعنی تجمع مواد زائد در بدن فرد خیلی زیاد و بیشتر از حد متعارف است. در این حالت، طب سنتی ایرانی با کمک روش‌های مصنوعی استفراغ، کمک می‌کند مواد زائد دفع شود و بدن به تعادل برسد. نکته دومی که برای دفع مواد زائد باید در نظر داشت این است که فرد هنگام استفراغ قوای کافی داشته باشد تا دچار ضعف جسمانی نشود؛ چراکه در صورت ضعف قوای جسمی فرد، برای استفراغ مصنوعی دچار مشکل می‌شود؛ مثلاً در افرادی که دچار کم‌خونی هستند، به هیچ‌وجه استفراغ مصنوعی انجام نشود. این افراد ضعف بدنی دارند و استفراغ مصنوعی برایشان ضرر دارد. به هیچ‌عنوان نباید استفراغات را در اوقات

خیلی گرم و خیلی سرد، مثل اواسط فصل تابستان و زمستان، انجام داد؛ مگر اینکه مورد خیلی خاص و اورژانسی باشد. معمولاً افراد خیلی چاق و خیلی لاغر هم بهتر است استفراغ مصنوعی نکنند؛ چراکه باعث ضعف قوای جسمی‌شان می‌شود. در سنین پیری که ضعف قوای جسمی بیشتر خود را نشان می‌دهد، و هنگام بروز بیماری‌های ناتوان‌کننده نیز به هیچ‌عنوان استفراغ مثل حمامت توصیه نمی‌شود. پس استفراغات مصنوعی چیزی نیست که برای همه نیاز باشد؛ بلکه برای کمک به عملکرد قوه مُدَبِّرَةُ بدن (طبیعت بدن) گاهی نیاز است. تنها زمانی استفراغات انجام شوند که بخواهیم به بدن برای دفع مواد زائد کمک کنیم و برای همه افراد ممکن است مناسب نباشد. برای مثال تجویز حمامت برای همه صحیح نیست و باید این نکته را در ذهن داشته باشیم که بدون مشورت

یکی از راه‌های خروجی فضولات و مواد زائد بدن مو است. پس لیزر کردن موهای زائد، یعنی احتباس کردن فضولات بدن و در نهایت اختلال در کارکرد بدن. در کل، مو و ناخن یکی از راه‌های خروجی فضولات بدن است و لیزر کردن موهای بدن، به ویژه نواحی تناسلی و زیر بغل، به منظور از بین بردن دائمی آن‌ها می‌تواند عوارضی همچون تجمع و احتباس سودا، اخلاط فاسد و فضولات در بدن را در پی داشته باشد و این نیز باعث بیماری‌هایی نظیر ضایعات پوستی، بواسیر، اختلالات قاعدگی، چروک و پیری زودرس پوست صورت، افتادگی پلک، سردرد، لک پوست و بیماری دیگر و حتی سرطان شود.

باطیب حاذق اقدام به حجامت یا هرگونه استفراغ مصنوعی دیگر در بدن نکنیم. یکی از مواردی که والدین هنگام بروز اسهال و استفراغ کودکان رعایت نمی‌کنند، زیاد کردن حجم غذاست که برای جبران مافات ضعف می‌کنند؛ در حالی که با یک استفراغ یا اسهال مختصر نباید تمام خروجی‌های بدن را با کمک داروها مسدود کرد. به تجربه ثابت شده که بسیاری از کودکان از اسهال و استفراغ مختصر به عنوان پاسخ طبیعی بدن به مواد آزاردهنده دستگه گوارش نفع می‌برند. درمان ساده‌ای که در این مرحله می‌توان به کار برد، «آب‌سیب» است که هم تأمین‌کننده آب و الکترولیت است و هم مقوی معده و بندآورنده استفراغ و اسهال.

پی‌نوشت

۱. قانونچه فی الطب، محمود بن محمد چغمینی خوارزمی، ترجمه اسماعیل ناظم، انتشارات حکمت‌سرای طبوبی، تهران، ۱۳۹۸، ص ۱۵۸.

۲. قانون، ابوعلی سینا، انتشارات سروش، تهران، ۱۴۰۲، ج ۱، ص ۲۳۴.



هوش هوشمند ۱

رسول ساری- دانش پژوه سطح ۳ حوزه علمیه قم؛ دانشجوی دکتری علوم سیاسی

هوش مصنوعی به مجموعه‌ای از تکنیک‌ها و سیستم‌ها اطلاق می‌شود که توانایی انجام دادن وظایفی مشابه رفتارهای هوشمندانه انسان‌ها را دارند. به عبارت دیگر، هوش مصنوعی به ماشین‌ها و سیستم‌های کامپیوتری این قابلیت را می‌دهد که به‌طور خودکار یاد بگیرند، استدلال کنند، مشکلات را حل کنند و حتی تصمیم‌های پیچیده‌ای بگیرند که انسان‌ها تاکنون آن را برنامه‌ریزی یا طراحی نکرده‌اند. در این تعریف، «هوش» به توانایی پردازش اطلاعات و حل مشکلات اشاره دارد.

در این مقاله سعی شده است فواید استفاده از هوش مصنوعی خدمتتان ارائه شود.

فواید استفاده از هوش مصنوعی

① تقویت ارتباطات خانوادگی

یکی از دغدغه‌های اصلی خانواده‌های مسلمان و ایرانی حفظ ارتباطات قوی میان اعضای خانواده است. هوش مصنوعی با ارائه ابزارهای پیشرفته‌ای همچون پیام‌رسان‌های هوشمند، برنامه‌های زمان‌بندی مشترک و ابزارهای ترجمه فوری، امکان برقراری ارتباط مؤثر و آسان میان اعضای خانواده را فراهم کرده است. به طور مثال خانواده‌هایی که در مناطق مختلف جغرافیایی زندگی می‌کنند می‌توانند از طریق دستگاه‌های مبتنی بر هوش مصنوعی به راحتی با هم در ارتباط باشند و از جزئیات زندگی یکدیگر مطلع شوند. علاوه بر این، این ابزارها می‌توانند، با افزودن قابلیت‌های

هوش مصنوعی (AI) به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین پیشرفت‌های فناوری در عصر حاضر، تأثیرات گسترده‌ای بر زندگی روزمره انسان‌ها داشته است. این فناوری که با الگوریتم‌های پیشرفته و قابلیت‌های پردازش اطلاعات در حجم بالا کار می‌کند، در حوزه‌های مختلفی همچون آموزش و سلامت و اقتصاد و زندگی خانوادگی، تحولی بنیادین ایجاد کرده است. در میان جوامع گوناگون، خانواده‌های مسلمان و ایرانی نیز از این فناوری بهره‌های متعددی برده و از امکانات آن برای بهبود کیفیت زندگی خود استفاده کرده‌اند.



و مطابق با ارزش‌های فرهنگی و دینی خود آموزش ببینند. ابزارهایی همچون دستیارهای هوشمند خانگی می‌توانند برنامه‌های درسی فرزندان را مدیریت و به آن‌ها در انجام دادن تکالیف کمک کنند. برای مثال، برنامه‌های آموزشی‌ای که به زبان فارسی طراحی شده‌اند و ارزش‌های اسلامی را ترویج می‌دهند، به خانواده‌های ایرانی کمک می‌کنند تا فرزندان خود را در محیطی سالم و متناسب با فرهنگ بومی تربیت کنند. همچنین دوره‌های برخط هوش مصنوعی به والدین این امکان را می‌دهند که مهارت‌های خود در زمینه‌های مختلف را ارتقا دهند و به نقش آفرینی مؤثرتری در تربیت فرزندان بپردازند.



چند رسانه‌ای، ارتباطات خانوادگی را غنی‌تر و تعاملی‌تر کنند.

برنامه‌های هوشمندی که تعاملات و علایق خانوادگی را تحلیل می‌کنند می‌توانند پیشنهادهایی برای فعالیت‌های مشترک ارائه دهند که روابط میان اعضا را مستحکم‌تر کند؛ مثلاً معرفی فعالیت‌هایی نظیر سفرهای خانوادگی، برنامه‌های ورزشی و فرهنگی یا حتی تماشای فیلم‌های متناسب با ارزش‌های خانواده، به کمک هوش مصنوعی ساده‌تر شده است.

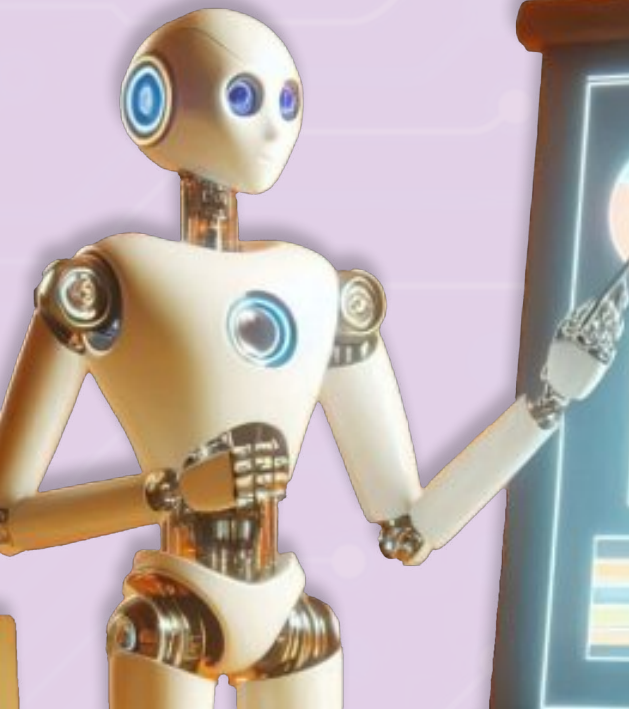
۲ ارتقای سطح آموزش و پرورش در خانواده‌ها

هوش مصنوعی در زمینه آموزش نیز نقش مهمی ایفا کرده است. سکویهای (پلتفرم‌های) آموزش برخط (آنلاین) و برنامه‌های یادگیری هوشمند، به کودکان و نوجوانان خانواده‌های مسلمان و ایرانی این امکان را می‌دهند که با کیفیت بالا

۳ تسهیل در مدیریت خانه و امور روزمره

مدیریت خانه و برنامه‌های روزمره یکی از چالش‌های اصلی خانواده‌های پرجمعیت است. هوش مصنوعی با ارائه ابزارهایی همچون دستیارهای خانگی هوشمند، نرم‌افزارهای مدیریت مالی و سیستم‌های هوشمند خانگی، به خانواده‌ها کمک می‌کند کارهای روزمره را با سرعت و کارایی بیشتری انجام دهند. برای مثال،

این دستگاه‌ها، علاوه بر فراهم کردن منابع آموزشی گسترده، امکان شخصی‌سازی آموزش را نیز دارند. هوش مصنوعی می‌تواند توانایی‌ها و ضعف‌های دانش‌آموزان را تحلیل کند و برنامه‌هایی متناسب با نیازهای فردی ارائه دهد. این امر نه تنها یادگیری را برای کودکان جذاب‌تر می‌کند، به والدین نیز کمک می‌کند تا بهتر در جریان پیشرفت تحصیلی فرزندان خود قرار گیرند.



یادآور هوشمند می‌توانند وظایف روزانه هر عضو خانواده را به آن‌ها گوشزد و از فراموشی جلوگیری کنند.

سیستم‌های مدیریت انرژی مبتنی بر هوش مصنوعی می‌توانند مصرف برق و گاز را بهینه کنند و در کاهش هزینه‌های خانوادگی نقش داشته باشند.



۴ حفظ ارزش‌های اسلامی و فرهنگی

یکی از نگرانی‌های مهم خانواده‌های مسلمان و ایرانی در مواجهه با فناوری‌های نوین، تأثیر آن‌ها بر ارزش‌ها و هویت فرهنگی و دینی است. هوش مصنوعی می‌تواند در حفظ این ارزش‌ها و حتی ترویج آن‌ها نقش مهمی ایفا کند؛ مثلاً برنامه‌ها و نرم‌افزارهای اسلامی مبتنی بر هوش مصنوعی می‌توانند اوقات شرعی،

این ابزارها می‌توانند به والدین کمک کنند تا به راحتی خریدهای خانه و نظافت و تنظیم زمان غذا خوردن را برنامه‌ریزی کنند. برای مثال، یخچال‌های هوشمند با تشخیص مواد غذایی موجود و پیشنهاد غذاهای سالم، به والدین کمک می‌کنند تغذیه بهتری برای خانواده فراهم آورند. همچنین سیستم‌های

۵) بهبود سلامت جسمی و روانی خانواده‌ها

هوش مصنوعی با ارائه خدمات بهداشتی و درمانی هوشمند، به خانواده‌های مسلمان و ایرانی در بهبود سلامت جسمی و روانی کمک می‌کند. سیستم‌های پزشکی مبتنی بر هوش مصنوعی می‌توانند با ارائه توصیه‌های

قرآن‌خوانی، اذکار روزانه و برنامه‌های دینی را هوشمندانه به خانواده‌ها یادآوری کنند. همچنین سکوه‌های محتوای هوشمند می‌توانند محتوای آموزشی و سرگرمی سالم و مطابق با ارزش‌های اسلامی را برای کودکان و نوجوانان فراهم کنند. این ابزارها می‌توانند جایگزین مناسبی برای محتوای غیراخلاقی و نامناسبی باشند که ممکن است از طریق اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در دسترس کودکان قرار گیرند. در همین راستا خانواده‌ها می‌توانند با تنظیم دسترسی‌های کودکان، از مواجهه با محتوای نامناسب جلوگیری کنند و به تقویت هویت دینی و فرهنگی فرزندان خود بپردازند.



۶ تقویت اقتصاد خانواده

بهداشتی، برنامه‌های تغذیه مناسب و پیگیری سلامت اعضای خانواده، از بروز بیماری‌های مختلف جلوگیری کنند. به‌طور خاص، نرم‌افزارهای سلامت روان مبتنی بر هوش مصنوعی می‌توانند به والدین و فرزندان در مدیریت استرس و افسردگی و اضطراب کمک کنند و محیطی آرام و سالم در خانواده فراهم سازند. این ابزارها می‌توانند با ارائه مشاوره‌های فردی و گروهی، نقش مهمی در تقویت روابط خانوادگی و بهبود کیفیت زندگی اعضای خانواده ایفا کنند. علاوه بر این، دستگاه‌های پوشیدنی هوشمند می‌توانند بر علائم حیاتی بدن به صورت مداوم نظارت کنند و والدین را از وضعیت سلامت فرزندانشان آگاه سازند.



این ابزارها همچنین می‌توانند خانواده‌ها را در شناسایی فرصت‌های شغلی مناسب یاری کنند. برای مثال، پلتفرم‌های کاریابی هوشمند می‌توانند براساس مهارت‌های اعضای خانواده، پیشنهادهای شغلی مرتبطی ارائه دهند که به بهبود وضعیت مالی خانواده کمک کند.

نتیجه‌گیری

هوش مصنوعی با قابلیت‌های بی‌شمار خود توانسته است تأثیرات مثبتی بر زندگی خانواده‌های مسلمان و ایرانی داشته باشد، از تقویت ارتباطات خانوادگی گرفته تا ارتقای آموزش، مدیریت خانه، حفظ ارزش‌های فرهنگی و بهبود سلامت جسمی و روانی.

فناوری هوش مصنوعی نقش مهمی در بهبود کیفیت زندگی ایفا کرده است. با بهره‌گیری هوشمندانه از هوش مصنوعی، خانواده‌های مسلمان و ایرانی می‌توانند، ضمن حفظ هویت و ارزش‌های خود، از فرصت‌های جدیدی که این فناوری فراهم می‌کند، بهره‌مند شوند و زندگی بهتر و پربارتری داشته باشند. این مسیر آینده‌روشن و پرامیدی را برای خانواده‌های ایرانی و مسلمان در تعامل با فناوری نوید می‌دهد. در شماره بعدی این نوشتار نیز مضرات و آسیب‌های آن بررسی خواهد شد.

سیرت قدس

دلنویسه

- ماه مهمانی خدا به اینجایش که می‌رسد
- حال دلم بیشتر به حال مرغابی‌های خانه
- دختر علی علیه السلام می‌ماند
- که پَرپرند برای سد کردن راه مولایشان
- علی علیه السلام،
- که عالم به سرانگشتش می‌چرخد...
- رنگ‌پریده و پریشان و بی‌تاب لقاءالله
- می‌رود تا به محراب مسجد کوفه طعم
- عشق و جنون بچشاند امشب.
- چه خیالاتی شده‌اند مرغان عاشق که
- شاید بشود راه علی علیه السلام را بست...
- نه‌ام‌کلثوم التماس‌هایش نتیجه داد،
- نه از حلقه در، کاری برآمد!
- علی‌علیست!!!
- می‌داند کجامی رود و به چه کار عزم جزم کرده،
- شال افتاده باز می‌بندد به کمر و راهی
- قتلگاهش می‌شود.
- از من بپرسی می‌گویم نوید حبیبش
- محمّد دلگرمش کرده در عالم رؤیا...
- صدایی که هنوز در گوشش زمزمه می‌شود:
- **يا ابا الحسن! اتك قادم الينا عن قريب...!**
- بیا پسر عمو جان!
- بیا که به سر رسید قصه قدم زدن بی
- معشوقه‌ات در این دنیای دنی.

- بیا که فاطمه علیها السلام رخت رزم و غم از تن
- خسته‌ات برکند و تیمار کند زخم‌های
- دل عاشقت را،
- بیا که سر خونین بر زانوان زهرا علیها السلام
- داری امشب،
- درد دل می‌کنی بی‌واهمه با ماه نه با
- چاه...
- امشب حال علی علیه السلام،
- رحم کن!
- زنگ رخسارش و
- تپش‌های قلبش از
- همیشه عاشقانه‌تر
- است...
- اما!
- علی جانم
- درد و بلای تو و
- اولادت به جانم!
- فکر اشک یتیمی شیعه را نکردی و
- لیبیک‌گویان مرغان را کنار زدی و رفتی تا
- برمانندۀ مسجد اذان عشق سر بدهی؟!
- خوابش برده بود شمشیر زهرآلود
- به دست...
- نکن علی جان!
- نکن!
- بچه یتیم‌های غافل شهر را به حال خود
- رها مکن، می‌میرند از بی‌کسی امشب...
- رحم کن...
- یتیمی درد بی درمانیست
- بابای خوب شیعه
- تو را به جان زهرایت
- تنهایمان مگذار...



پی‌نوشت

۱. «علی جان به زودی میهمان ما خواهی بود.» منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، میرزا حبیب‌الله هاشمی خویی، انتشارات مکتبه الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۰ق، ج ۵، ص ۱۴۶.





محسن خیری - دکترای قرآن و روانشناسی

توجه متقابل همسران اکسیر زندگی «۱»

خداوند متعال در قرآن کریم زن و مرد را مایه آرامش یکدیگر و ارکان اساسی خانواده معرفی می‌کند؛ دو ستونی که خانواده بر پایه آن‌ها بنا می‌شود و فرزندان نیز در سایه تربیت و محبت این دو رشد می‌کنند و بالنده می‌شوند و برای حضور و نقش آفرینی در جامعه مهیامی شوند. خداوند حکیم می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»؛ «و از نشانه‌های او آن است که از جنس شما برایتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید، و میان شما مودت و رحمت قرار داد. قطعاً در این، نشان‌هایی است برای مردمی که تفکر می‌کنند.»

است که، علاوه بر ابراز عشق و محبت بین زوجین، هریک بکوشد نیازهای طرف مقابل را درک کند و برای برآورده شدن آن‌ها به صورت جدی پیگیری باشد.

نقش زن و مرد در اسلام به عنوان ارکانی که آرامش و آسایش خانواده را تأمین می‌کنند، بسیار مورد تأکید است. پیامبر

اکرم ﷺ فرمودند: «أَحْسَنُ النَّاسِ إِمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَأَلْطَفُهُمْ بِأَهْلِهِ وَأَنَا أَلْطَفُكُمْ بِأَهْلِي؛

نیکوترین مردم در ایمان، خوش اخلاق‌ترین و مهربان‌ترین آن‌ها با خانواده خویش است، و من مهربان‌ترین شما هستم نسبت به اهل خودم.»^۳

به یقین زلزله هرکدام از این ارکان موجب زلزله بنای آرامش بخش خانواده می‌شود. بنابراین هر دو ستون باید جایگاهشان محفوظ بماند. قطعاً نقش فرزندان و جایگاهشان در خانواده مورد عنایت خاص اسلام بوده است و بی‌شک اگر آن‌ها در انجام دادن وظایف خود کوتاهی کنند،

برآساس نظر علامه طباطبایی رحمته الله، مودت و رحمت در قرآن کریم به عنوان دو ویژگی حیاتی در روابط انسانی و اجتماعی مطرح می‌شوند. اما تفاوت‌هایی در مفهوم و کارکرد این دو واژه وجود دارد:

- مودت به معنای محبتی است که اثر آن در عمل ظاهر شود. در نتیجه نسبت مودت به محبت، نسبت خضوع است به خشوع؛

رحمت نیز بر بخشش، و حمایت از دیگران تأکید می‌کند. رحمت معمولاً در شرایطی به کار می‌رود که شخص یا گروهی در وضعیت نیازمندی قرار دارند، و در این حالت، رحمت به عنوان عاملی برای ترمیم و بهبود شرایط انسان‌ها عمل می‌کند.^۲

بنابراین **رحمت صرف مهربانی نیست؛** بلکه دو عنصر کلیدی در آن باید لحاظ شود: تشخیص نیاز طرف مقابل؛ تلاش برای رفع آن نیاز.

با توجه به آیه شریفه درمی‌یابیم که زمانی مودت و رحمت در بستر خانواده جاری

خانواده دچار تنش و آزار و اذیت خواهد شد. این اهتمام و عنایت را با توجه به این آیه شریفه می‌توانیم دریا بیم، آنجاکه خداوند مهربان اهل ایمان را خطاب قرار می‌دهد:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا﴾؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده‌تان را از آتش حفظ کنید.»

اما این نکته قابل توجه است که تزلزل جایگاه فرزندان هرگز به اندازه تزلزل در دو رکن اصلی خانواده، یعنی پدر و مادر، آسیب‌زا نیست. فرزند ناباب اگرچه خانواده را دروادی رنج و مشکلات قرار می‌دهد، اما در نهایت یا به سبب ازدواج یا علل دیگر، خانواده را ترک می‌کند. بنابراین آسیب‌هایی که از ناحیه فرزندان به خانواده وارد می‌شوند، به اندازه تزلزل یا از بین رفتن جایگاه زن و مرد، بنیان خانواده را فرو نمی‌پاشند.

پس اگر به دنبال یک خانواده موفق و کارآمد هستیم، باید به انتظارات و نیازهای

روان‌شناختی هرکدام از زوجین دقت و توجه خاص داشته باشیم و به جایگاه و حقوق و نقش هر یک، اساسی توجه کنیم. از آنجاکه زن و مرد به عنوان ارکان اصلی خانواده شناخته می‌شوند، باید با همدلی و درک متقابل جایگاه فرد مقابل، خود را به عنوان همسر به رسمیت بشناسند و در راستای تحکیم جایگاه همسری، بر مؤلفه‌هایی مانند حفظ حریم، اختیارات، وظایف و نیازهای متقابل، دقت کنند. اگر این موارد رعایت شوند، این دو ستون خیمه خانواده می‌توانند حتی در برابر سخت‌ترین تندبادها و طوفان‌ها استوار و قوی در مسیر تعالی پایرجا و از هر گزندی محفوظ بمانند. برای مثال، مرد از نگاه زن «همسر» است، از نگاه فرزندان «پدر» است و از نگاه پدر بزرگ و مادر بزرگ و دیگران «نان‌آور خانواده». به همین ترتیب، زن از نگاه مرد «همسر»، از نگاه فرزندان «مادر» و

دارد که همسرش آن را حفظ می‌کند. برای مثال، اگر فرزندی به مادرش بی‌احترامی کند، پدر باید با اخم، توبیخ، توصیه یا با هر روش تربیتی مناسب دیگری، فرزند را تأدیب کند و نگهبان جایگاه مادرانه باشد. از آن طرف، اگر فرزندی به پدرش بی‌احترامی کند، مادر باید جانب پدر را بگیرد و با روش تربیتی مناسب، به فرزند تفهیم کند که حق بی‌ادبی و بی‌احترامی به پدر ندارد، و با این اقدام به موقع حافظ جایگاه پدرانه باشد.

حال باید این سؤال اساسی را پاسخ دهیم: **برای به رسمیت شناختن و پاسداری از جایگاه همسری، هرکدام از همسران چه نکاتی را باید سرلوحه رفتار خویش قرار دهد؟** برای یافتن پاسخ این سؤال کلیدی، ابتدا باید به تبیین «الگوی توزیع قدرت» یا به عبارتی شایسته‌تر، «الگوی توزیع مسئولیت در خانواده» بپردازیم.

از نگاه دیگران نقش‌های متعددی دارد که باید در هر زاویه به آن‌ها توجه شود. برای اینکه زن بتواند نقش مادری خود را به نیکویی در خانواده ایفا کند، باید جایگاه خاصی نزد فرزندان داشته باشد. اگر خدش‌های به این جایگاه وارد شود، او در نظر فرزندان یک فرد عادی است که آن‌ها را به دنیا آورده است اما نقش چندانی در زندگی آن‌ها ندارد. همچنین اگر جایگاه پدری حفظ نشود، او نیز در نگاه فرزندان فردی است که فقط در پا به عرصه دنیا نهادن آن‌ها نقش داشته است اما نقش تربیتی یا حمایتی خاصی در خانواده ندارد.

بنا بر آنچه گفته شد، هریک از طرفین باید هم طرف مقابل را به عنوان همسر خود به رسمیت بشناسد و به او جایگاه همسری بدهد و هم طوری رفتار کند که فرزندان بدانند پدر یا مادرشان در خانواده جایگاهی

الگوی توزیع مسئولیت در خانواده

ساختار «پدرمركزی والدین سالار» معرفی می‌شود، به این معنا که مرد محور تصمیم‌گیری در خانواده است و زن و شوهر در خانواده بیشترین اقتدار دارند و مرد با مشورت با همسر^۶ و معاشرت شایسته^۷ و رعایت عدالت در میان اعضا، امور خانواده^۸ را سامان می‌بخشد.^۹

در شماره آینده به تفصیل به این موضوع و نیازهای عاطفی و روانی زوجین و الگوی مهر و اقتدار خواهیم پرداخت.

بر اساس آیات قرآن، به‌ویژه آیاتی از سوره مبارک نساء و تحریم^۵، و روایات اسلامی، مدیریت خانواده از مسئولیت‌های مردان دانسته شده است که البته به‌گونه مطلق نیست؛ بلکه بر اساس رعایت مصالح خانواده است و بانوان در جایگاه مدیریت داخلی در خانواده، نقش دارند. بر مبنای پژوهش‌های اندیشمندان اسلامی در حوزه مسائل خانواده، در پرتو آیات و روایات، الگوی اقتدار در خانواده به صورت

ادامه دارد...

این سلسله مقالات توسط سرکار خانم منصوره مؤدب دانش پژوه سطح ۳ جامعه الزهراء (ع) تدوین و تحقیق شده است.

پی‌نوشت

۱. روم / ۲۱.
۲. رک: تفسیر المیزان، سید محمدحسین طباطبایی، ترجمه محمدباقر موسوی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۸۷، ج ۱۶، ص ۲۵۰.
۳. تفصیل وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، انتشارات مؤسسه آل‌البیت (ع)، قم، ۱۴۱۶، ج ۱۲، ص ۱۵۳.
۴. تحریم / ۶.
۵. نساء / ۳۴؛ تحریم / ۶.
۶. بقره / ۲۳۳؛ نساء / ۳۴.
۷. نساء / ۱۹.
۸. مائده / ۸.
۹. مهر و اقتدار در خانواده، محمد زارعی توپخانه، انتشارات مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، قم، ۱۳۹۷، ص ۸۸.

هنر عاشقی ۲

(عشق امام حسین و رباب علیه السلام)

محمد حسین قدیری

دانش آموخته سطح ۳ حوزه علمیه؛

کارشناس ارشد روانشناسی

دیگر را با هم بخوانیم و به برکت توجه و دعای ایشان الگوگیری کنیم:

❶ **حرمت؛ معیار دوستی:** وقتی با **اُمّه علیها السلام** درباره شرایط خواستگار خوب مشورت می‌شد، ایشان فرد عمیقاً دین‌دار، امانت‌دار، رازدار، خوش اخلاق، باتقوا و خویشتن‌دار را بهترین گزینه برای ازدواج معرفی می‌کردند و می‌فرمودند

در قسمت اول از آسیب‌هایی که انسان در مسیر روابط عاشقانه می‌خورد، از سندرم شکست عشقی و در آخر از هنر عشق‌ورزی سخن گفتیم. با هم منزل **امام حسین علیه السلام** رفتیم و پای درس زندگی عاشقانه ایشان و حضرت رباب علیه السلام نشستیم. سپس از ویژگی‌های رابطه عاشقانه آن دو گفتیم. اکنون چند ویژگی

چنین فردی همسرش را دوست می‌دارد،
برایش حرمت و کرامت قائل است و اگر
از او ناراحت باشد، بی‌انصاف و فحاش
نیست و دستِ بزَن ندارد.^۱

از سخن حضرت رباب علیها السلام هم کشف
می‌شود که امام علیه السلام در کنار برخورد
رحیمانه و مهربانی مستمر، سبک‌ارتباطی
دینی داشته‌اند. از سویی دیگر، احترام و
کرامتی که امام علیه السلام برای همسرشان قائل
بودند، معرّفِ عشق عمیق و دوستی
ایشان است. **امام حسین علیه السلام علاقه**
بسیار زیادی به همسرش رباب و دخترش
سکینه علیها السلام داشتند؛ به طوری که این
محبت و دوستی را در قالب شعری به

این مضمون ابراز می‌فرمودند: «خانه‌ای را
دوست دارم که سکینه و ربابِ من در آن
خانه باشند. من آن‌ها را خیلی دوست دارم
و تمام اموال خودم را صرف آسایش آن‌ها
می‌کنم. زنده باشم یا بعد از وفاتم کسی

حق ندارد مرا به خاطر این عشق سرزنش
کند.»^۲ امام حسین علیه السلام تاب نداشتند
ببینند اشک در آسمان چشمان دخترش،
سکینه علیها السلام، حلقه می‌زند.^۳

❷ **مهربانی دوسویه:** باباطاهر به درستی
می‌گوید که محبت و مهربانی یک‌سویه
سبب دردسری می‌شود:

چه خوش بی مهربانی هر دوسری

که یکسر مهربانی دردسری
حرمتِ عشق به معشوق وابسته است.
عشق آسمانی و دوسویه این زوج در
وصف یکدیگر در اشعارشان جلوه‌نمایی
می‌کند. هر دو از جهتی هم عاشق بودند و
هم معشوق.

اگه رباب دل شوریده‌ای داشت

دل مولا از او شوریده‌تری^۴

❶ **فرزندان زخم‌خورده:** وقتی والدین
خودشان طعم عشق را نچشیده باشند،
چطور می‌توانند عشق را به فرزندان

عالم خیال، از آن مردان مُنجی و به اصطلاح سوپرمنی می‌سازد که برای رها ساختن او از زندان تنگ و تاریک مشکلات آمده‌اند. چنانچه این رابطهٔ بیمارگون سریع مدیریت نشود، وابستگی او شدیدتر و بعد از جدایی، شکننده و سخت‌تر خواهد شد و سرانجام سیلی واقعیت در کوجه پس‌کوچهٔ بی‌وفایی و سوءاستفاده، او را به خود خواهد آورد.^۵

وقتی بهشتی‌ها از یکدیگر می‌پرسند چه کار کردید که بهشتی شدید، می‌گویند: ما در خانواده با شفقت به همسر و دختر و پسرمان، زندگی می‌کردیم.^۶ ما با «شفقت» به این سخن خدا عمل می‌کردیم که خود و خانوادهٔ خود را از جهنم حفظ کنید.^۷

اگر کودکی با بی‌مهری در مهدکودک گذاشته شد، همین‌که پدر و مادرش بزرگ شدند، فوری آن‌ها را در خانهٔ

بیاموزند؟! برعکس، در خانواده‌ای که والدین همچون حسین و **رباب** علیه السلام هماهنگ باشند و شفقت و مهربانی در گفتار و رفتارشان به‌طور مستمر موج بزند، زمینهٔ مساعدی برای شکل‌گیری «دل‌بستگی ایمن» در فرزندان است. در خانوادهٔ آسمانی **امام حسین و رباب** علیهما السلام، شخصیتی حق‌گرا، خانواده‌دوست، شجاع، علمی، اخلاقی و عاطفی همچون آمنه رشد کرد؛ دختری که در سایهٔ زندگی آرام و عاشقانهٔ والدین پرورش یافت و از ایشان لقب «سکینه» یعنی آرام‌بخش، گرفت. فرزند، به‌ویژه دختر، اگر در کسب دل‌بستگی ایمن از عزیزان خود، به‌خصوص پدر، ناکام بماند، برای دریافت تأیید و امنیت، پی‌درپی جذب مردان می‌شود. او به‌خاطر شدت نیازش کروکور می‌شود و تمام جوانب حقیقت‌رانی‌می‌بیند و شیفتهٔ بخش جذاب شخصیت آن مردان می‌شود. او در

سالمدان می‌گذارد؛ برای اینکه اصلاً عاطفه و محبت نچشیده است. محبت سفارشی یا تزریقی نیست. هفت سالِ نخست عمرِ کودک، هفت سالِ شفقت است.^۸ شفقت تلاشِ متعهدانه برای کشف رنج خود و دیگری و التیام آن رنج‌هاست.^۹

۴ **شعاع عشق:** امام علیه السلام شیفتهٔ سیرت و سجایای همسرش، **رباب علیه السلام**، بود. شعاع و گرمی این عشق الهی، علاوه بر **رباب علیه السلام**، به خویشان و قبیلۀ او نیز می‌رسید. امام علیه السلام در اشعاری می‌فرماید: من به خاطر عشق به **رباب علیه السلام** خانواده و خاندانش را دوست دارم.^{۱۰} در بسیاری از اختلافات می‌بینیم که گوشِ عزیز است ولی گوشواره نه؛ یعنی زن یا مرد نمی‌پسندد که با خانوادۀ همسرش در ارتباط باشد. این یعنی عشقِ واقعی بین آن‌ها در کار نیست؛ چون عشقِ واقعی با ایثار و تغافل همراه است. عشق **امام حسین و رباب علیه السلام** میزانی است برای سنجش عشق‌های



و «مال» دارد به پایش می‌ماند. در تجارب مشاوره‌ای می‌بینیم وقتی یکی از همسران ناچار است برای درازمدت از والدین بیمار خود پرستاری کند، دیگری مانع می‌شود یا رابطه را قطع می‌کند. این روزها با حضور فعال خانم‌ها در عرصه اجتماعی و مشاغل، جنگ قدرت و انتظارات زن و شوهر بیش از پیش شده است. متأسفانه وقتی مرد یا زن از نظر موقعیت تحصیلی و شغلی و مالی رشد زیادی می‌کند، دیگر همسرش را در شأن خود نمی‌بیند.

زندگی **امام حسین علیه السلام** هم به دلیل شهادت پدر و برادر و جنگ‌ها و توهین علنی دشمنان به امیرالمؤمنین علیه السلام پرچالش بود. رباب علیه السلام این سختی‌ها را در کنار امام تا آخر عمرش به جان خرید و شگوه نکرد:

هرکه در عشق سر از قله برآرد هنر است همه تا دامنه کوه تحمل دارند

بیمارگون و حقیقی. وقتی در دنیای واقعی و مجازی پای امتحان وسط آید، سیه‌رو می‌شود هرکه در او غش باشد. بسیاری از زوجها ادعای شیفتگی و عشق نسبت به هم دارند؛ ولی تنش‌ها نشان می‌دهد که سکه عشق آن‌ها قلبی، بیمارگون، خودخواهانه و همراه حرص و خودشیفتگی و حسد است. آن‌ها حاضر نیستند برای آرامش و رشد یکدیگر، به والدین هم احترام بگذارند یا از ته دل آن‌ها را نیز همچون والدین خود دوست داشته باشند و از لغزش‌های آن‌ها چشم‌پوشی کنند.

🕒 **عیارسنج عشق:** جواهرفروشان برای شناختن جواهر اصل از بدل یا شناخت درصد عیار آن ابزار و روش‌هایی دارند. گوهر عشق نیز عیارسنج مخصوص خود را دارد. زن و مردی که عاشق زیبایی یا بند کیف همسر باشد، فقط تا وقتی که او «جمال»

❖ **دوام عشق:** از نظر منطقی، سنخیت علت پیوند و انضمام است. اینکه امام عاشق رباب عَلَيْهِ السَّلَام بودند نشان دهنده سنخیت و کفویت ایشان بوده است. از کلام ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام می فهمیم که برای پایدار کردن عشق و مراقبت از آن لازم است زن و شوهر در جو اخلاقی و دینی نفس بکشند. از نظر اسلام، دوستی و عشقی که در بستر زندگی دینی جوانه بزند، دوام و بقا خواهد داشت؛ چراکه عوامل آن پایدار است.^{۱۱} گری چایمن می نویسد: ارتباط با خدانقش مهمی در تحکیم رابطه زناشویی دارد. راهکارها و نگرش های قدیمی خیلی مؤثر نیستند و باید نگرش الهی برای رویارویی با طلاق ها اتخاذ کنیم.^{۱۲} در مثلث رحمت هر قدر زن و شوهر به سمت خداوند بروند و حقوق قانونی و حقوق اخلاقی را در خانواده رعایت کنند، به همان میزان به یکدیگر نزدیک و صمیمی تر می شوند.^{۱۳}

خداوند در قرآن قاعده «مهره مار» واقعی را بیان فرموده است: اگر با ایمان و عمل صالح مؤمن واقعی باشیم، مهر ما را به دل همدیگر می اندازد؛^{۱۴} اما در طرف مقابل و با خروج از زندگی دینی گرفتار عشق های آتشین و بیمارگون می شویم که تاریخ انقضای آن ها سریع است. در کشورهایی همچون اردن هفده نوع ازدواج غیر شرعی شیوع پیدا کرده است، مانند ازدواج خال کوبی، ازدواج نوار کاستی، ازدواج مَهری، ازدواج تابستانی، ازدواج سیاحتی، ازدواج اضطراری دانشجویان، ازدواج روزانه، ازدواج شنی، ازدواج آنسی و ازدواج سفری دانشجویان.^{۱۵} بسیاری از اندیشمندان مسلمان، شیوع و نفوذ فرهنگ غرب با ابزار رسانه ها و اینترنت را از مهم ترین عوامل خیانت و طلاق (عاطفی و جنسی و حقوقی) می دانند.^{۱۶}

پی‌نوشت

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «إِذَا جَاءَكُمْ دِينُهُ مِنْ تَرْسُونِ دِينَهُ وَ أَمَانَتُهُ يَخْطُبُ إِلَيْكُمْ فَزَوْجُوهُ» (أمالی، شیخ طوسی، انتشارات دار الثقافة، قم، ۱۴۱۴ق، ج، ص ۵۱۹)؛ قَالَ حَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ﷺ: «زَوْجُهَا مِنْ رَجُلٍ تَقِيَّ فَإِنَّهُ إِنْ أَحَبَّهَا أَكْرَمَهَا وَ إِنْ أَبْغَضَهَا لَمْ يَبْغِضْهَا» (مكارم الاخلاق، حسن بن فضل طبرسی، انتشارات شریف رضی، قم، ۱۳۷۰ش، ص ۲۳۳).
۲. لَعْمَزَكَ إِنِّي لِأَحَبُّ دَاراً تَحُلُّ بِهَا شَكِيئَتُهُ وَ الرَّيَابُ أَحَبُّهُمَا وَ أَبْدَلُ بَعْدَ مَالِي وَ لَيْسَ لِلْأَيْمِي فِيهَا عِتَابٌ (انساب الاشراف، بلاذری، انتشارات دارالمعارف، مصر، ۱۳۳۸ش، ج، ص ۱۹۵)
۳. امام ﷺ موقع وداع با دخترشان در کربلا ضمن اشعاری فرمودند: «لَا تُخْرِقِي قَلْبِي بِدُمْعِكَ خَشْرَةً» (دخترم!) با اشکت قلبم را آتش مزین» (الوقایع و الحوادث، محمدباقر ملبویی، دار العلم، قم، ۱۳۶۹ج، ص ۱۹۲).
۴. تغییر شعر باباطاهر توسط مؤلف به تناسب بحث.
۵. Meeker, Margaret J, Hero, p20 & 24.
۶. طور، ۲۶: «قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلَ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ».
۷. تحریم/۶: «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا».
۸. ر.ک: آیت‌الله جوادی آملی، تفسیر سوره طور، جلسه هشتم، وبگاه مدرسه فقاقت، ۱۳۹۵/۱۱/۲۶.
۹. عبور از صد چالش زندگی، راضیه ایزدی، انتشارات سازمان رفاهی و تفریحی شهرداری اصفهان، ج، ۱۳۹۶، ص ۴۳.
۱۰. من به خاطر دوستی او نثل و تمام «بنو ریاب» را دوست دارم. همچنین دایه‌های او از خاندان لام و همه [خاندان] بنی جناب را دوست دارم
أَحَبُّ لِي خِيَّتَهَا زَيْدًا جَمِيعًا وَ ثَمَلَةٌ كُلُّهَا وَ بَنِي الرَّيَابِ
وَ أَحْوَالُ آلِهَا مِنْ آلِ لَامِ أَحَبُّهُمْ وَ طَرَبِي جَنَابِ (منتهی الامال، شیخ عباس قمی، انتشارات دارالفکر، قم، ج، ۱، ص ۴۶۳)
۱۱. امیرالمؤمنین ﷺ فرمود: دوستی کسانی که به خاطر خدا دوست هستند ادامه پیدا می‌کند؛ چون عامل آن دوستی، دائمی است. دوستی کسانی که به خاطر دنیا دوست شده‌اند بریده می‌شود؛ زیرا عوامل آن دوستی‌ها زود از بین می‌رود (عُرِّزَ الْحَكَمُ وَ دُرِّزَ الْكَلِمُ، عبدالواحد تمیمی آمدی، انتشارات دارالکتاب الاسلامی، قم، ۱۳۶۸، ج، ۲، ص ۱۷۹۵ و ۱۷۹۶).
۱۲. پیمان ازدواج، گری چاپمن، ترجمه سیمین موحد، انتشارات ویدا، تهران، ۱۳۹۱، ص ۹.
۱۳. حقوق قانونی اموری هستند که در دادگاه قابل پیگیری و درخواست هستند، مانند نفعه حقوق اخلاقی اموری هستند که در دادگاه قابل درخواست نیستند، ولی زندگی شیرین بر محور آن‌ها می‌چرخد، مثل ایثار و عیب‌پوشی و تغافل.
۱۴. مریم/۹۶: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا».
۱۵. نوعاً من الزواج غير الشرعي في الأردن، وبگاه عربی عین نیوز، ۲۰۱۰/۶/۷؛ ر.ک: مجازی علیه همسران! مهارت‌های زن‌شویی در فضای مجازی؛ به‌همراه داستان‌های واقعی، محمدحسین قدیری، ویراسته محمد کاظمی، انتشارات مهرستان، اصفهان، ۱۴۰۳.
۱۶. الإرشاد الهاتفي في خفض معدلات الطلاق، نوف عتيق سليمان الفايدي، الطبع جمعية المودة للتنمية الأسرية، العربستان السعودی، الطبعة الأولى، ۲۰۱۵م/۱۴۳۶ق، ص ۸ و ۲۳.



همراه اول تا آخر!

امپراتور و پرنسس

معصومه باقری ثالث-کارشناس علوم قرآن و حدیث

ساعت ۱۹:۵۷ است، دقیقاً سه دقیقه مانده تا قراری که دل آقای امپراتور را از دو روز قبل زیرورو کرده! با اینکه هر ماه چند مرتبه شبیه این قرار را دارد، ولی هر بار برایش هیجان و احساس تازه‌ای دارد! در کشویی آسانسور باز می‌شود و آقای امپراتور بالاخره از تصویر جوان زیبا و

در آینه آسانسور تصویر یک امپراتور جوان به چشم می‌خورد با یک دست کت و شلوار مشکی مخمل و پیراهن شیری یقه‌دیپلمات و ساعت استیل طلایی‌رنگ که از زیر مچ آستین پیراهن آقای امپراتور، سلیقه و خوش‌لباسی را به رخ می‌کشد!

سبد گل جلو بیاورد! ولی طبق عادت آقای امپراتور می‌داند به این زودی‌ها قرار نیست این دیدار اتفاق بیفتد و در قهوه‌ای به دستان یکی از اعضای خانواده سلطنتی باز شود! قلب مرد جوان میان احساسات او سردرگم بر سر خود می‌کوبد! از اشتیاق فطری-غریزی یک پسر ۲۷ ساله در شرف ازدواج بعید نیست که در ذهنش چنین دیدار رؤیایی و محالی را طراحی کند؛ ولی بعید است مرد جوان بتواند ذوق کور شده خودش را بازبایی کند وقتی در را پیرمردی با کلاه بافتنی سبز و جلیقه کاهی رنگ در حالتی که یک دستش روی عصا می‌لرزد باز می‌کند.

حتماً اشتباه آمده‌اند! ولی پیرمرد در جواب سؤال مادر می‌گوید: «بله، منزل عزت‌خواه همین جاست! خودم هستم، بفرمایید دخترم!» مادر و پسر به هم نگاهی می‌کنند و با کمی تعلل وارد

شیک‌پوش در آینه دل می‌کند! سبد گل را در دستش جابه‌جا می‌کند و در فرصتی که کنار ایستاده تا اول مادر جان پا در راهرو بگذارد، صورتش را به زُهای قرمز نزدیک می‌کند. عطر فوق‌العاده گل‌ها نشان می‌دهد که گل‌فروش برای دوست صمیمی‌اش سنگ‌تمام گذاشته و بهترین عطر مغازه تروتمیزش را روی گل‌ها اسپری کرده! ولی امپراتور جوان خوب می‌داند که قبل از اینکه عطر گل‌های رز احساسات پرنسس موردنظر را درگیر کند، عطر فرانسوی اصلی آقای امپراتور روند کارهای خواستگاری را اندکی تسهیل خواهد کرد!

ضربان قلب آقای امپراتور گاهی رو به افزایش است و گاهی آرام می‌گیرد! طبق غریزه دوست دارد هرچه سریع‌تر در قهوه‌ای واحد ۸ باز شود و از اتفاق خود پرنسس پشت در ایستاده باشد و بعد از اینکه نگاه‌هایشان در هم تلاقی کرد، دست‌های ظریفش را برای گرفتن

می‌شوند. زن نسبتاً
جا افتاده‌ای، که احتمالاً
مادرِ عروس باشد، به
استقبالشان می‌آید
و خوشامد می‌گوید و
با رویی باز آن‌ها را به
نشستن دعوت می‌کند.
نگاه آقای امپراتور خانه را
می‌چرخد و در نهایت به گل‌های
تک‌فرش ۱۲ متری سالن نشیمن خیره
می‌ماند! خانه آن قدر کوچک و جمع‌وجور
است که مرد جوان احساس خفگی می‌کند و راه
گل‌وبیش را از دست دکمه بالای پیراهن آزاد می‌کند!
پیرمرد عصا زنان به جمع می‌پیوندد و روی مبل تک نفره
کنار مرد جوان می‌نشیند و سعی می‌کند با کمی
خوش‌وبیش مردانه یخ آقای خواستگار را آب کند،
غافل از اینکه دل جوان سنگ شده است! خانه
و زندگی عروس خانم آن قدر ساده است که هنوز
چیزی نشده، عقل آقای امپراتور می‌تواند حکم



پدر محدثه برای دو فرزندش سرمایه‌های مادی آن‌چنانی نگذاشته؛ ولی از اثر نان حلال و تربیت اوست که مهدی، پسر بزرگش، توانسته روی پای خودش بایستد و بعد از اینکه مدرک کارشناسی ارشدش را گرفته، در اداره‌ای دولتی استخدام شود و حالا در خانه پدرش همراه همسر و فرزندش ساکن است. مادر می‌گوید سعی کرده فرزندانش را قانع و بسازد و بی‌آورد و بی‌آن‌ها آموخته که توکل و تلاش دو بال پرواز به سمت موفقیت است!

ولی مرد جوان علاقه‌ای به شنیدن حرف‌های زن ندارد. چون شرایط را مطابق میل خودش نمی‌بیند، برای شنیدن و تحلیل حرف‌های مادر و پدر بزرگ محدثه تمرکز نمی‌کند! حتی وقتی دختر جوان با سینی چای وارد سالن می‌شود و با متانت به حاضران سلام می‌کند، سهمی از نگاه آقای امپراتور ندارد! از نظر مرد، همه چیز

به گفویت نداشتن بدهد و دلش رأی به جواب رد! نمی‌داند چرا زن عمو راحله این مورد را به او پیشنهاد کرده! با خودش مرور می‌کند که خانم عزت‌خواه یکی از مؤدب‌ترین و باهوش‌ترین دانشجویان زن عمو است. زن عمو می‌گفت کاش پسری هم سن محدثه داشت! می‌گفت یک‌پارچه نجابت است و خانمی! می‌گفت از آن دخترهای بهشتی است که اشتباهی سر از زمین درآورده! حتماً زن عمو از وضعیت مالی و خانه و زندگی عروس رؤیایی‌اش بی‌خبر است!

در دل مرد جوان بگومگوها بالا گرفته و نمی‌شنود که مادر محدثه میان تعریف‌هایش می‌گوید بعد از فوت پدر محدثه حاضر شده به خانه پدرش برگردد تا علاوه بر اینکه پیرمرد تنها نباشد، خودش و محدثه هم زیر سایه امنیت مردانه او راحت زندگی کنند. مادر می‌گوید

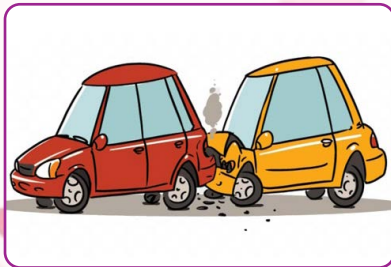
شروع نشده، تمام شده! از نظر او ازدواج با دختری که پشتوانه مالی خوبی ندارد، مثل راه رفتن روی پل معلق فرسوده میان دو کوه است که هر آن احتمال سقوط آن وجود دارد! راستش، کمی تعریف‌های زن‌عمواز زیبایی و پاکی محدثه دل‌آقای امپراتور را مرد کرده؛ ولی برای او که تک‌پسر خانواده نسبتاً مرفّهی است، پسندیده نیست که با خانواده‌ای پایین‌تر از طبقه اجتماعی خودشان ازدواج کند! در میان صحبت مادرها و سکوت آقای خواستگار زنگ آیفون به صدا درمی‌آید. مادر محدثه گوشی آیفون را برمی‌دارد و بعد از چند لحظه می‌پرسد: «ماشین ۲۶ برای شماست؟» مرد تأیید می‌کند و مادر عروس می‌گوید: «یکی از همسایه‌ها می‌خواهد ماشینش را از پارکینگ دریاورد. لطفاً ماشین را جابه‌جا می‌کنید؟» جوان از خدا خواسته

«با اجازه» ای می‌گوید و بدون اینکه نگاهش را از فرش بگیرد، برمی‌خیزد و به سمت در خروجی حرکت می‌کند! در تمام مدتی که آسانسور فاصله طبقه چهارم تا همکف را طی می‌کند، مرد کلافه با نوک کفش‌های بزاقش روی پارکت کف ضرب می‌گیرد و حتی از نگاه به چشم‌های خودش هم فرار می‌کند! نمی‌داند تصمیم درستی گرفته یا نه؛ ولی قبل از اینکه کلید ماشین را از جیب کتش دریاورد، در صفحه پیام تلفن همراهش می‌نویسد: «مامان، من دیگه بالا نمی‌آم. تو ماشین منتظرتم!» و پیامک را ارسال می‌کند!

چند دقیقه بعد در ماشین نقره‌ای رنگ باز می‌شود و زن همین‌طور که سوار ماشین می‌شود، رو به پسرش می‌غزد: «این چه کاری بود کردی؟! چرا بدون خدا حافظی گذاشتی اومدی؟!»

آورده‌اند، پایش را روی گاز می‌گذارد و می‌خواهد از هرچه اتفاق افتاده دور شود! خودش هم نمی‌داند تصمیمش چقدر از روی فکر بوده و چقدر از روی عجله؛ ولی خوب می‌تواند چشمان اشکی یک پرنسس را وقتی به یک سبد گل رز قرمز خیره شده، بدون اینکه دیده باشد، تصور کند!

در حالی که مرد جوان با این فکر دست و پنجه نرم می‌کند که پرنسس داستان علت رفتار او را فهمیده یا نه، چند چهارراه بعد یک ماشین ۲۶٪ از پشت با یک ماشین سمند تصادف می‌کند و مردی باکت و شلوار مخمل مشکی از پشت فرمان پیاده می‌شود!



جوان که خودش را برای شنیدن این سؤال آماده کرده می‌گوید: «پسندم نبود!» زن گُر می‌گیرد و می‌گوید: «اصلاً مگه همدیگه رو دیده‌ین؟ با هم حرف زده‌ین؟ چه جور این قدر زود تصمیم گرفته‌ی؟!» جوان حوصلهٔ ادامهٔ این بحث را ندارد و می‌گوید: «مامان، شما ندیدی چقدر خونه زندگی شون ساده بود؟ این‌ها به خونوادهٔ ما نمی‌آن! تمام!»

در نگاه زن، عصبانیت و ناامیدی موج می‌زند و می‌گوید: «به خاطر این دلیل مسخره دختر به این خوبی رو رد کردی و باعث شدی هم خودش هم مادرش ناراحت بشن؟! اگه با این کارت دلشون شکسته باشه چی؟ من تو رو این جور تربیت کرده‌م؟! هان؟!»

مرد بی حرف دستش را به سمت ضبط دراز می‌کند و برای فرار از حرف‌ها و فکرهای مختلفی که به سمتش هجوم

چی بخونیم؟

الهام آقاجانی. کارشناس علوم قرآن و حدیث

معرفی اجمالی و گزیده‌ای از کتاب «کتاب ازدواج (کتاب اول: تأسیس)»

مطالب جامع «کتاب ازدواج» را جناب آقای دکتر حمید حبشی جمع‌آوری و تشریح، و نشر معارف در سال ۱۳۹۷ چاپ کرده است. این کتاب در سال ۱۴۰۳ به چاپ ششم رسیده است.

ازدواج حقیقی شبیه ارتباط‌گیری اجزای بدن باهم است که با درگیر شدن هر عضو، عضوهای دیگر نیز بی استثنا تأثیر می‌پذیرند. بنابراین، به‌طور قطع، ازدواج تنها مسیر و

میدان آمیختگی و ممزوجیت است. پس واضح است که منظور از آمیختگی آن نیست که در دادوستدها و برخی هم‌زیستی‌های اجتماعی رخ می‌دهد، یا در بهره‌گیری‌های جنسی دوستانه اتفاق می‌افتد، و حتی آن نوع آمیختگی نیست که از طریق ارتباط با نفس خویش (خودارضایی) ایجاد می‌شود. چه بسا این موارد نه تنها آمیختگی و ممزوجیتی به بار نمی‌آورند، که افراد را دچار مشکلات روحی و جسمی فراوانی خواهند کرد.



به‌مثابه نوعی آمیختگی از آن یاد شده و میدان ازدواج را نوعی فرصت برای رشد و حل اشکالات و نقایص زوجیت میان افراد بیان کرده است،

و انگیزه‌هایی که در هر فرد، به‌فراخور قدر و قیمت وی، بزرگ و کوچک خواهد بود. برای مثال، انگیزه‌های رایجی که در کتاب به آن‌ها اشاره شده است عبارت‌اند از:

- تمرین کنترل غرایز
- امتداد نسل
- تمکین از حکم الهی و سنت نبوی ﷺ
- آرامش
- رهایی از بلا تکلیفی (سامان‌یابی)
- کسب منافع مالی و مادی
- تحریک اطرافیان و تأثیرپذیری از آن‌ها
- میل به استقلال یا فرار از شرایط زندگی زمان تجرد
- رعایت ازدواج خواهر و برادر کوچک‌تر
- از خود را کردن
- رقابت با هم‌سن‌وسالان

بنابراین تنها ازدواج حقیقی است که میان زن و مرد نوعی آمیختگی و ممزوج شدن ایجاد می‌کند و از این حیث دارای اهمیت فراوانی است.

معرفی کتاب

محتوای «کتاب ازدواج (کتاب اول: تأسیس)» در ۱۰ فصل و در ۳۳۶ صفحه جمع‌آوری و نگاشته شده است. مؤلف ارجمند در این ۱۰ فصل مباحث کاربردی و ضروری و پراهمیت ضرورت ازدواج، انگیزه‌ها، معیارشناسی، شناخت و تناسب سنجی ملاک‌ها، روش و شیوه تحقیق برای کسب شناخت، مصاحبه خواستگاری و شیوه آن، شروط، ملاحظات، باورهای غلط و... را به خواننده عرضه کرده است.

همان‌گونه که عناوین کلی کتاب به‌طور اختصار بیان شد،

فصل اول درباره «ضرورت در ازدواج» و «شناسایی انگیزه‌ها» است؛ ضرورتی که

اهمیتی است که به خوبی در فصل اول تبیین شده است.

فصل دوم کمک می‌کند معیارهای ضروری و مطلوب شناخته و از یکدیگر تمیز داده شوند تا انسان دچار ناهنجاری و کج‌اندیشی در این زمینه نشود.

معیارهای ضروری همان شاخص‌های مهم در تصمیم‌گیری است، مثل سلامت روان، کفویت، پشتیبانی خانواده، و...

معیارهای مطلوب هم معیارهایی هستند که از نظر خود شخص مطلوب به نظر می‌آیند؛ اما امکان دارد کاملاً منجر به ایجاد تراحم شوند یا اضافی باشند. این موارد گاه جسمی است، گاه تحصیلی، گاه شغلی، گاه مذهبی، گاه اجتماعی فرهنگی، گاه هنری، گاه خانوادگی، و... چند نمونه از این معیارهای به‌ظاهر مطلوب، داشتن چشم‌زنگی، دارا بودن مدرک پزشکی، و سید بودن است.

• ترس از محرومیت از ازدواج

• درگیری‌های عاشقانه

• ترحم و دل‌سوزی

• قراردادهای قومی قبیلگی

• هماهنگی سیاسی

• و حتی انگیزه‌های جزئی‌تر: صدای خوش، علاقه به یک هنرپیشه، فرار از یک حادثه، ازدواج با همسر شهید، تمایلات هم‌جنس‌گرایانه، و...

نویسندهٔ محترم، ضمن بیان کردن هر یک از موارد مذکور و تبعات آن‌ها، به بیان شاخص‌های مهم برای داشتن انگیزهٔ درست در زندگی می‌پردازد که در دو مورد زیر خلاصه می‌شود:

① قابلیت پایداری داشتن (در طول زمان دچار نقص و تباهی نشود)؛

② از درون خود فرد آغاز شدن.

به بیان دیگر، بررسی همهٔ جوانب برای داشتن انگیزهٔ الهی در ازدواج، نکتهٔ حائز

فراهم شود یا در بستر دوست‌یابی‌های نامتعارف. البته پیشروی هریک از این دو، موانع و مشکلاتی است که در کتاب به‌خوبی شرح داده شده است.

فصل پنجم به بحث تحقیق پرداخته است. ابتدا برای آن ملاحظاتی تعریف شده، سپس نویسنده محترم میزان اهمیت تحقیق را بیان و به راه درست کسب شناخت از طریق قواعد (نگاه درست و احساس تعهد) اشاره کوتاهی کرده است.

فصل ششم به مصاحبه خواستگاری می‌پردازد که در آن اشکالات مصاحبه‌های موجود، میزان زمان، شرایط، ضعف در مصاحبه، انگیزه و چینش غلط در مصاحبه بررسی شده است. به‌علاوه، از برخی غلط‌های محتوایی، مانند جدل و بحث درباره دیدگاه‌ها، صدور احکام و قول و وعده دادن‌ها و... سخن گفته است.

شایان ذکر است که در برخی موارد جناب آقای حبشی، با نقد و تحلیل نظریه‌ها و دیدگاه‌های رایج درباره یک مسئله، به‌خوبی اشکالات مربوط به آن و نیز ملاک‌های حقیقی را بیان کرده است.

فصل سوم شما در پی کسب شناخت «خویش» هستید: «من کیستم؟» این شناخت یا از منظر سلامت و بررسی انواع معایب و بیماری‌های جسمی، روحی یا روانی است، یا از منظر اعتقادی و نوع نگرش به زندگی است، یا از منظر انتظارات از همسر، هدف‌گذاری‌ها، نوع نگاه به موضوعات ارتباطی، مدیریت زندگی، گرایش‌ها و علاقه‌مندی‌ها در مباحثی همچون فرزندآوری است، یا برای شناخت مهارت‌ها و ظرفیت‌ها، میزان اعتماد به نفس و... است.

فصل چهارم راجع به روش کسب شناخت است که ممکن است در بستر خانواده

نمی‌دادم و...، نخواهد منش و روش دیگری را تصویر و تصور کند.»

فصل هفتم شیوه انجام دادن مصاحبه خواستگاری را ذکر کرده است که قواعد اصلی آن عبارت‌اند از: شکل انجام دادن مصاحبه، زمان و مکان، موضع اولیه والدین، شروع‌کننده مصاحبه، سیر مصاحبه، سؤالات لازم حین مصاحبه، توضیحات آشکار ساز، زمان اتمام مصاحبه و موضع‌گیری در برابر مصاحبه.

در ادامه، راستی‌آزمایی مصاحبه نیز از قلم جا نمانده و در آن به بررسی علائم شناسایی و توضیحات غیرواقعی در مصاحبه اشاره شده است. ملاحظات ضروری در مسیر مصاحبه نیز لحاظ شده است که به روند کار و ثمربخشی آن بسیار کمک خواهد کرد.

فصل هشتم درباره عقود و شروط ازدواج است که شامل قواعد اصلی در تنظیم عقود و شروط ازدواج، ملاحظات

در ادامه، بیان شده که چه مصاحبه‌ای مطلوب است و محورهای آن به‌طور خلاصه شامل چه مواردی می‌شود. در بخشی از کتاب می‌خوانیم:

«تصمیم و برنامه در مورد روش و منش زندگی کردن

از جمله مواردی که تشریح و توضیح آن در جریان مصاحبه خواستگاری ضروری است، شرح از اهداف، تصمیمات و برنامه‌هایی است که در حوزه روش و منش زندگی داریم. چنین شرحی باید خیلی شفاف و مفصل و همراه با توضیح در مورد جزئیات آن باشد تا مخاطب ما مبنای تشخیص خود را بر پایه اخباری که شنیده، یا دریافت‌هایی که در بررسی‌ها و تحقیقات خود کسب کرده، قرار ندهد و به خیال می‌کردم، گمان نمی‌کردم، سابقه‌تان این‌طور نبود، در جریان رفت‌وآمد خواستگاری نمونه‌اش را ندیده بودم، از فلان رفتارتان احتمال

لازم، شکل بیان کردن و شرح عقود و شروط ازدواج می‌شود. در موارد خاص اشاره و هرکدام را بررسی

فصل نهم به باورها و گمان‌های غلط در موضوع شناخت اشاره کرده است؛ عبارت‌انداز:

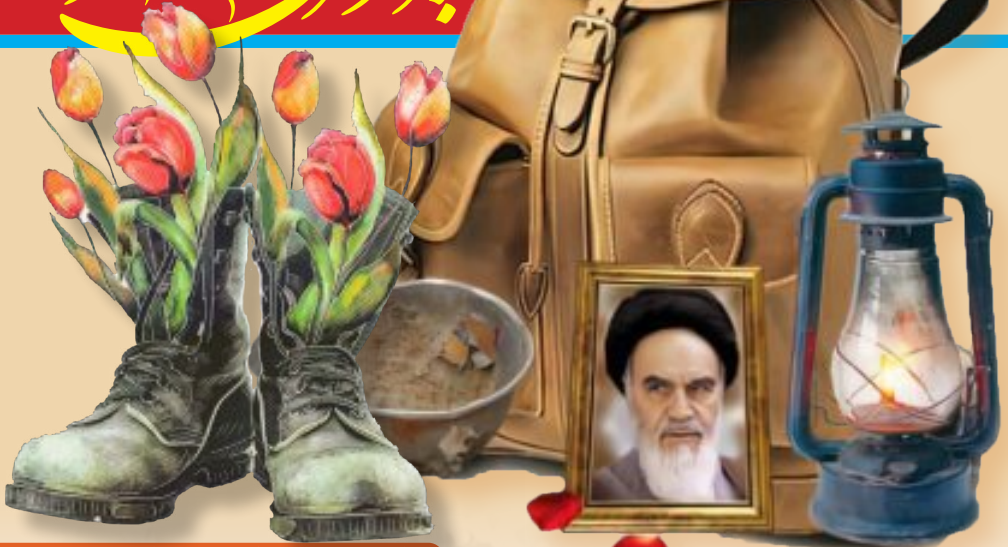
- ▶ ازدواج با فردی که سابقه طلاق دارد
 - ▶ ازدواج با افراد مشهور
 - ▶ ازدواج با طلاب
 - ▶ ازدواج با فرد دارای فرزند (چند فرزند)
- مانند «ازدواج تقدیر است»، «باید به جای ویژگی‌ها بر شرایط تمرکز کرد» و «باید به جای کسب شناخت، به تحلیل و تفسیر اقدامات کنجکاوانه، مچ‌گیرانه، پلیسی و به شیوه آزمون‌گیری تمسک کرد».

سخن پایانی

اگر در زمینه ازدواج سبیر منطقی رعایت شود، یعنی آگاهی بخشی، کسب مهارت‌های لازم، سنجش شرایط و موانع و... به درستی صورت پذیرد، مسلماً ازدواج رضایت‌بخشی رقم خواهد خورد؛ اما اگر تحت تأثیر عوامل خارجی نه‌چندان مهم قرار گیرد، یا شرایط و ضوابط به درستی بررسی نشود، اگر به جای مطالبات بحق و ضروری، مطالباتی کارشناسی نشده و طبق نظر شخصی مد نظر باشد، روشن است که نتیجه خوبی نخواهد داشت.

«کتاب ازدواج» هرآنچه را که برای داشتن یک انتخاب خوب مورد نیاز است، به خوبی تشریح کرده و در اختیار علاقه‌مندان قرار داده است. مطالب این کتاب مناسب قشرهای مختلف جامعه است. از این رو به همه والدین، جوانان در شرف ازدواج، مربیان، مشاوران ارجمند، روان‌شناسان، دغدغه‌مندان عرصه اجتماع و خانواده، سخنرانان دینی و به‌طور کلی به همه علاقه‌مندان مباحث اجتماعی و خانوادگی پیشنهاد می‌شود.

چراهای ریزه میزه ۱۱



راه نورانی!

رها سلمانیان

من هیچی از شهدای گمنام و شهدای
تفحص و... نمی‌دونستم؛ ولی از پچ‌پچ
دوروبری‌ها دستگیرم شده بود که باید
سفر پرزحمت و سختی باشه!
خیلی‌ها مخالفت می‌کردن و می‌گفتن: این
چه کاریه! دوره این حرف‌ها دیگه گذشته!
خدا رحمتشون کنه، یه عده رفتن شهید

یه روز از روزهای سرد آخر زمستون بود.
بابا مزده یه سفر خاص رو داده بود که تا
اون موقع نداشته بودیم.
بسج مسجد قمر بنی‌هاشم علیه السلام برای
کاروان‌های راهیان نور ثبت‌نام می‌کرد و
من دل تو دلم نبود که بساط مسافرت
عید جوره.

کلی بهم خندید و گفت:

این چه قیافه‌ایه دخترِ بابا؟

گفتم کوله‌م تنگه بابا...

خندید و گفت: کوله‌ت تنگ نیست؛

وسایلت زیاده.

خیلی مطمئن شروع کردم به شمردن

وسایلم: سجاده و جانماز و حوله و

ملحفه و مسواک و لیوان و قمقمه و

دفتر یادداشت و کتاب داستان و ممدارنگی

و چند تا اسباب بازی، برای اینکه حوصله‌م

سرنره و...

بابا گفت: یه دقیقه صبر کن الان می‌آم.

رفت از تو اتاق یه چیزی آورد و نشست

کنارم و گفت: می‌دونی رزمنده‌ها وقتی

می‌رفتن اونجا، چطوری کوله‌شون رو

می‌بستن که بتونن وسط جنگ راحت تر

جابه جاش کنن؟

یه پارچه سفید با چهارخونه‌های مشکی

به‌م داد و ادامه داد: این چفیه‌س، رفیق یه

رزمنده. گاهی سجاده بود، گاهی زیرانداز،

شدن، خوش به سعادتشون، الان تو

بهشتن. بچه‌ها نیاز به تفریح دارن، تو این

سفر ادیت می‌شن و...

بابا گوشش بدهکار این حرف‌ها نبود.

معتقد بود بچه باید تو سختی‌ها بزرگ بشه

تا زندگی کردن رو یاد بگیره.

می‌گفت: بچه‌های من مردهای روزهای

سختن! نباید از چیزی بترسن.

مامان و بابا فکرهاشون رو کرده بودن و

آماده سفر بودن.

مامان برامون لباس‌های خیلی خنک

آماده کرده بود و می‌گفت اونجا هوا خیلی

گرمه، امکانات کمه. باید مراقب باشیم

گرم‌زده نشیم.

نفری یه کوله آماده کرده بودیم برای وسایل

شخصی ضروری‌مون؛ ولی کوله من برای

وسایلم خیلی تنگ بود.

بابا که متوجه غرغره‌ام شده بود، اومد تو

اتاقم و دید وسط وسایلم نشستهم و عزا

گرفته‌م چطوری این‌ها رو توی کوله جا بدم!

پهنش کردم و خیلی حس خوبی بود سر
اون سفره غذا خوردن.

خلاصه، بعد از ساعت‌ها تو اتوبوس
نشستن، رسیدیم دوکوهه.

توی پادگان دوکوهه خوابیدن تو گرمای
جنوب و پشه‌کوره‌های وحشتناک و
بی‌خوابی‌ها و کم‌آبی‌ها و... هیچی نبود
در مقایسه با خاطراتی که راوی می‌گفت
از هم‌رزم‌های شهیدش.

تصور اینکه همه شهدا و رفقای بابا به
بار دوکوهه خوابیده‌ن و از اونجا منتقل
می‌شدن خط‌مقدم، حس فوق‌العاده‌ای بود.
اونجا بوی بهشت می‌داد!

📞 شنیدم یکی از خانم‌ها به مامانم
می‌گفت: کاش همه پدرمادرها از این
جسارت‌ها به خرج بدن و از این خاطره‌ها
بسازن برای بچه‌هاشون.

بیراه نمی‌گفت. واقعاً با همه سفرهای دنیا
فرق داشت.

گاهی ملحفه، گاهی سفره، گاهی حوله،
گاهی هم خیسش می‌کردیم می‌نداختیم
سرمون و کولرمون بود. حتی گاهی باهاش
زخم‌هامون رو پانسما می‌کردیم.

به نظر فهمیدم چطوری باید ساکم رو بچینم
برای این سفر: درست مثل یه رزمنده.
بابا اون چفیه رو برام خریده بود و حس
عجیبی بهش داشتم.

فردا، وقت حرکت، دیدم بابا یه دونه، عین
همون، روی شوئه‌ش انداخته و به نظر
اُبّهت دل‌نشینی گرفته بود.

منم توی اتوبوس از تو کوله‌م درش آوردم و
اول انداختمش روی شوئه‌م.

وقت نهار تُو ماهی دادن و نون لواش
و یه دونه گوجه. مامان داشت سفارش
می‌کرد نون روی زمین نریزی بره زیر پا، گناه
داره برکت خدا. یه نگاه به چفیه‌م کردم، یه
نگاه به بابا. بابا چشمکی زد و انگار فهمید
چی تو ذهنمه، بالبخندش تأیید کرد.

یه اثری، یه نشونه‌ای، یه چیزی از امثال رفیق بابا که اونجا مفقود شده‌ن.

بیشتر جاهایی که می‌رفتیم، محفل «شبی با شهدا» داشتن و با چند تا از شهدا که تازه پیدا شون کرده بودن، یه شب باورنکردنی روسپری می‌کردیم! مثل طلا بیه... بابا از دهلاویه برام چند تا کتاب از کتاب‌های شهید آوینی و دکتر چمران خرید. شاید خرید تا سرگرم بشم و کمتر سؤال کنم.

از وقتی سواد خوندن و نوشتن یاد گرفته‌م، همیشه تابلوهای توی خیابون رو ناخودآگاه می‌خونم. سفر «راهیان نور» یکی از قشنگی‌هایش تابلوهای توی مسیر بود و جمله‌های نابی که ناخودآگاه می‌خوندم و هیچ وقت فراموش نمی‌شه:

- ▶ آرامش این روزها مون رو مدیون شهداییم!
- ▶ تودنیای خاکی شهدا قدم می‌زنیم!
- ▶ قدم به قدم با یاوران مهدی ع‌ج!
- ▶ خاک پای مادران شهداییم!

یادم نمی‌ره، وقتی به فگه رسیدیم، بابا یه حالی شده بود...

از مامان پرسیدم: اینجا کجاست؟ چرا بابا اینجا رویه جور دیگه دوست داره؟! مامان برام از یکی از رفقای بابا گفت که با هم مثل دو تا برادر بودن و اینجا آخرین بار همدیگه رو دیده‌ن. خیلی‌ها شهید شدن، اسیر شدن، رفیق بابا همون جا مفقود شده بود.

پرسیدم: این مفقود که می‌گی، یعنی چی؟

برام توضیح داد که مفقود شدن یعنی گم شدن، یعنی دیگه هیچ اثری و خبری از شون نیست؛ نه جنازه‌ای، نه اسمی و نه مشخصاتی تو لیست اسرا.

تازه فهمیدم این گروه‌های تفحص که می‌گن سال‌هاست دارن وجب به وجب خاک این مناطق جنگی رو می‌گردن و زیرورو می‌کنن، دنبال چی هستن. دنبال

بازی - گوشی

مؤسسه تربیتی رسانه‌ای مآذنه
سید محمد حسن مدرس مصلی
دانش پژوه سطح ۳ حوزه علمیه
کارشناس بازی‌های ویدئویی

Abzu 

بازی کامپیوتر (playstation _ xbox _ windows)

سن مناسب: بالای ۵ سال



در بازی Abzu بازیکن می‌تواند با شرایط و موجودات اعماق اقیانوس و دریاها آشنا شود. بازی از نوع کاوشگرانه است و خط داستانی ساده و مستقیمی دارد؛ اما بازیکن می‌تواند در دریا بگردد و صحنه‌های مختلفی را ببیند. از نکات مثبت و آموزشی این بازی آشنایی با محیط و زندگی زیر دریاها، جست‌وجو برای کشف اعماق دریاها و آشنایی با همکاری حیوانات برای بقای زندگی است. با پیشروی

در بازی محیط‌های جدیدی از زندگی زیر دریا باز می‌شود. همکاری و کمک موجودات به یکدیگر در بازی نمایش داده می‌شود. نکات مختلف ریزودرشت و متنوعی در زیر دریا وجود دارد که این بازی آن را در بستری آرامش‌بخش به نمایش گذاشته است. این بازی تک‌نفره و برون‌خط (آفلاین) است، مدیریت بازی بسیار ساده است و حتی آموزش‌های لازم برای عبور مراحل در بازی داده می‌شود. والدین می‌توانند در بستر این بازی، دربارهٔ تأثیر رابطهٔ انسان با طبیعت با کودکان گفت‌وگو و راه‌های تأثیر مثبت و منفی انسان بر اقیانوس‌ها و دریاها را گوشزد کنند.



where is my water 2



بازی موبایل (android_ ios)

سن مناسب: مثبت ۶ سال



داستان بازی دربارهٔ یک تمساح بامزه است که در اعماق زمین زندگی می‌کند و می‌خواهد بعد از فعالیت روزانه به حمام برود. اینجا وظیفهٔ بازیکن رساندن آب تمیز به اوست. بازی با گرافیکی بسیار شاد و فانتزی همراه

است که از مراحل ساده تر آغاز می شود و هرچه پیش می رود، مراحل سخت تر می شود و نیاز به تفکر بیشتر دارد. بازی به صورت کارتونی و فانتزی و دو بعدی و بدون عناصر ترس و خشونت ناهنجار طراحی شده تا همه سنین بتوانند از آن بهره ببرند. مزیت برون خطی (آفلاین بودن) بازی باعث می شود دیگر نگران ارتباطات نایمن فرزند خود با افراد دیگر نباشید. همچنین اگر فرزند شما در سنین پایین است، بهتر است در پیشبرد مراحل سخت تر او را یاری کنید. این کار باعث می شود فرزندان، علاوه بر حل معماهای بازی، اوقات خوشی را در کنار شما سپری کند و مستقیم حس کند در حمایت شماست. همچنین می توان در ضمن بازی، اهمیت پشتکار و خسته نشدن و صبر و تمرکز را برای فرزندان توضیح داد.



صدای مشاور ۷

رضیه جبرئیل زاده - کارشناس ارشد مشاور خانواده

گذشت و پسرخاله‌م باز ازم خواستگاری کرد. خاله‌م هم این مسئله رو با بقیه فامیل در میون گذاشت و این‌طور بقیه هم برای پذیرفتن این مسئله به ما فشار می‌آرن؛ ولی پدرم همچنان مخالفه و این ماجرا داره موجب کدورت بیشتر می‌شه. من این وسط

من به دختر مذهبی‌ام و ۲۴ سالمه. چند وقتی که خاله‌م به همراه پسرشون برای خواستگاری اومدن؛ ولی پدرم با این ازدواج موافق نیست و مادرم هم ناراحته و اصرار به موافقت نداره. همین مسئله موجب کدورت بین خونواده‌ها شده. مدتی از این قضیه

از این که مشکل خودتون رو با مادر میون گذاشتید سپاسگزاریم. متوجه نگرانی شما برای مشکل به وجود آمده هستیم.

شما قراره کسی رو انتخاب کنید که همراه تمام زندگی شما و پدر فرزندانتون باشه. این نکته به این معناست که شما در حال تصمیم‌گیری مهم‌ترین اتفاق زندگی تون هستید. پس با دقت و حساسیت قدم بردارید و با ریزینی سعی کنید درست انتخاب کنید. بکوشید آرامش و راحتی زندگی خودتون رو در نظر بگیرید و از اطرافیان هم کمک بگیرید؛ چون پدر و مادر شما قطعاً در درجه اول خوشبختی و آرامش شما رو می‌خوان و اگه متوجه این مطلب باشن که شرایط به وجود آمده موجب شده آرامش شما گرفته بشه، قطعاً توی رفتارها تجدیدنظر می‌کنن. پس ملاک شما برای انتخاب

گیر افتاده‌م. اینم بگم که اصلی‌ترین ملاک برای ازدواج، اعتقادات مذهبی و دوست دارم همسرم با خدا باشه و خوش اخلاق. نمی‌دونم پسر خاله‌م چقدر این ویژگی‌ها رو داره؛ چون شناخت کافی ازش ندارم و صرفاً دیگران به من گفتن که بهم علاقه داره. در این حد می‌دونم که نماز نمی‌خونه و همین خیلی ذهنم رو مشغول کرده. واقعاً الان نمی‌دونم باید چی کار کنم! تصمیم‌گیری واقعاً برام سخته. لطفاً راهنمایی کنید.



انتخاب فرد مناسب و موردپسند برای ازدواج چه ملاک‌هایی دارید، بسیار حائز اهمیت‌ه. مثلاً وقتی فردی که به خواستگاری شما آمده، از لحاظ اعتقادی اصلاً شبیه شما نیست، طبعاً نمی‌تونید تصور کنید که زندگی آرام و شیرینی با او سپری کنید.



اینجا بحث زندگی و ازدواج شماست. سعی کنید در این باره خجالت رو کنار بذارید. شما بزرگ شده‌ید و در مرحله تشکیل خانواده مستقلاً هستید. پس بایستی این استقلال رو از همین جا در کمال احترام و ادب شروع

فردی مذهبی قطعاً باید به اون‌ها گفته بشه و در قبال اون بی‌تفاوت نباشن؛ به‌خاطر اینکه این مسئله برای شما بااهمیت‌ه و یکی از اصول اساسی زندگی شماست و بی‌توجهی به اون موجب می‌شه که به اهداف خودتون توی زندگی نرسید. درسته که رضایت پدر و مادر در ازدواج بسیار مهمه، اما نباید موجب بشه که اشتباه انتخاب کنید و برخلاف نظر و سلیقه و عقایدتون کسی رو به‌عنوان شریک زندگی انتخاب کنید؛ چون توی ادامه مسیر دچار مشکل می‌شید و آسیب‌هایی به شما و طرف مقابل وارد می‌شه.

در ادامه چند نکته عرض می‌کنم که امیدوارم مفید باشن:

یه بار به‌طور مشخص و با دقت، ملاک‌های انتخاب همسر رو برای خودتون بنویسید. اینکه شما برای

به صلاح شما نیست، از طریق یکی از بستگان به اطلاع خاله و پسرخاله تون برسونید که تمایلی به پیوند با خانواده اون‌ها ندارید. مطلب رو این‌گونه مطرح کنید که ازدواج خانوادگی و وصلت فامیلی رو نمی‌پسندید؛ چون نگران از دست دادن روابط فامیلی و به وجود آمدن مشکلات بعدی هستید. حتی اگه موقعیت مناسبی پیش اومد، خودتون با خاله تون صحبت کنید تا قبل از اینکه اختلافات و مشکلات بیشتر بشه، این کدورت‌ها رو بردارید و مشکل رو حل کنید.



کنید. پس توی یه جلسه خصوصی، با پدر و مادرتون صحبت کنید و بگید قصد دارید فردی رو انتخاب کنید که با ملاک‌های اصلی شما هم‌خونی داشته باشه. قطعاً پدر و مادرتون خوشبختی شما رو می‌خوان و اگه باهاشون صحبت کنید، متوجه می‌شن که شما می‌تونید برای انتخاب درست با کمک اون‌ها تصمیم بگیرید.



اگه کسی فکر کنه توی زندگی مشترک می‌تونه همسرش رو تغییر بده، سخت در اشتباهه! پس اگه به جمع‌بندی رسیدید که این ازدواج

فرد می‌تونه آسیب‌های روحی و روانی و تربیتی شخصی داشته باشه و چه بسا فردی که نماز نمی‌خونه، توی کارهای روزمره‌ش و حتی ارتباط با همسرش، کمتر رضایت خدا رو در نظر بگیره و رابطه موفقى نداره. به همین خاطر، همیشه به جوون‌ها توصیه می‌کنیم پیش از ازدواج، از مشاورین متخصص و متدین کمک بگیرن.

لازم می‌دونم تذکر بدم که به دل نشستن ظاهر طرف مقابل نیزیکی از ملاک‌هاست؛ یعنی اگه با همه ویژگی‌های مثبت طرف مقابل، ظاهرش رو نپسندیدید یا نتونستید احساس خوبی به ظاهرش داشته باشید، قدری توی تصمیمتون تأمل کنید تا بتونید ازدواج خوبی رو رقم بزنید. امیدواریم مطالب گفته شده، به شما توی حل مشکل به وجود آمده کمک کنه. بهترین‌ها رو براتون آرزو مندیم.

توجه داشته باشید که عشق و علاقه در زندگی زناشویی بسیار با اهمیتته؛ اما تو اولویت دوم قرار داره و اگه می‌خواید اون رو به عنوان ملاک اصلی و اساسی در نظر بگیرید، اشتباهه! اولویتتون بایستی ملاک‌های خودتون باشه.



اگه می‌خواید زندگی آینده‌تون تضمین بشه، باید فردی رو انتخاب کنید که خداشناس باشه و با همسرش درست رفتار کنه. مثلاً نخوندن نماز برای یه



تربیت جابجا و نابجا

محسن بختیاری-دانش پژوه سطح ۴ حوزه علمیه

پدر کمی که آتش خشمش فروکش کرد،
رو به مادر فریاد زد: «خب حرف گوش
نمی‌کنه! همه‌ش حرف خودشه. خود
منم دویسش دارم؛ ولی حرصم و درمی‌آره
دیگه. یه ذره لوس بارش آوردی زن! بچه
که این قدر پررو نمی‌شه؛ همچین محکم
هم نزدمش.»

مادر لیوان آب را روبه‌روی پدر گذاشت
و با آرامش گفت: «آخه محمود جان،
پژمان هنوز پنج سالشه...» پدر میان
صحبت‌های مادر پرید و با کنایه گفت:
«هرچی می‌کشم، از این حرف‌های
بی‌حساب شماس. هی می‌گی بچه‌س
بچه‌س. منم دارم این بچه‌ت و زودتر

پدر دست‌هایش را، به نشانهٔ اعتراض، روی زانوانش کوفت و آهی کشید: «دلت خوشه آقا مجید! این بچه اتاقِ خودش و نمی‌تونه اداره کنه، حالا من دست دختر معصوم مردم رو بگیرم بذارم تو دست این... فعلاً بچه‌تر از این حرف‌هاست!»

رویکردهای تربیتی نابجا، بلکه جابجا!

امیرالمؤمنین علیه السلام راجع به فصول مختلف تربیت کودکان می‌فرماید: «**يُرَبِّي الصَّبِيَّ سَبْعًا وَ يُؤَدَّبُ سَبْعًا وَ يُسْتَحْدَمُ سَبْعًا**؛ فرزند هفت سال تربیت می‌شود و هفت سال [دوم] ادب می‌شود و هفت سال [سوم] به کار گرفته می‌شود.»



بزرگش می‌کنم؛ البته اگه شما چوب لای چرخم نکنی!»



«آقای رشیدی عزیز، آقا پیرمان شما سیزده سالشه؛ ولی ظاهراً مثل بچه‌ها تو خونه باهاش رفتار می‌کنید. ببینم، اصلاً پیگیر رفتارها و رفقا و درس‌هاش هستین؟!»

پدر با نگاهی حق‌به‌جانب رو به آقای مدیر کرد و گفت: «ببینید آقای رحمانی، درسته شما تجربهٔ زیادی دارید؛ ولی قبول کنید من بچه‌م و بهتر از شما می‌شناسم. راستش و بخواید، من وقتی این بچه کوچیک‌تر از این حرف‌ها بود، خیلی به‌ش سخت گرفتم. الان هم نه اینکه از اون رفتارم پشیمون باشم، ولی می‌بینم هرکاریش بکنم، دیگه گوش به حرفم نمی‌ده. آزادش گذاشتم که فقط از خونه درنره!»



«آقا محمود، دیگه وقتشه آستین‌ها رو برای پیرمان جان بالا بزینیدها! دیگه ماشاًلاً...»

استثنایی، مانند جایی که خطری جدی فرزند را تهدید می‌کند، از امرونی‌ها و رفتارهای تحکم‌آمیز با فرزند بپرهیزند. براینکه این رویکرد تربیتی این است که کودک تا هفت سالگی احساس می‌کند آقا و سیدخانه است و آزادانه می‌تواند فعالیت کند. در این بستر است که شناخت‌ها و رفتارهای فرزند شکل می‌گیرد و او رشد لازم را پیدا می‌کند.



۲ هفت سال دوم (۸ تا ۱۴ سالگی) دوره «آموزش دادن و ادب کردن» و «عبد» شدن نوجوان است. در این سن باید متناسب با سن او، برنامه «آموزش و تربیت» او را مدنظر قرار داد.

رسول خدا ﷺ نیز می‌فرماید: «الْوَلَدُ سَبِيٌّ سَبْعَ سِنِينَ وَ خَادِمٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ»؛ فرزند هفت سال آقا و سرور است و هفت سال (دوم) عبد و فرمان‌بردار و هفت سال (سوم) وزیر و کمک‌کار.»



برأساس این دور روایت شریف، رویکردهای تربیتی صحیح در سه رده سنی هفت ساله مشخص شده است:

۱ هفت سال آغاز زندگی فصل «تربیت و رشد» و بنا بر روایت دوم، «سید» بودن و «آقا» بودن فرزند است. در این سن باید والدین بستر مناسب برای فعالیت‌های آزاد کودک را فراهم کنند و به‌جز موارد

است. از جمله این مسئولیت‌ها «تشکیل و اداره خانواده» است.

نکته بسیار مهم این است که والدین و نیز اولیای تربیت نباید در هر کدام از این سه فصل زندگی فرزندان شان رویکردهای نابجا و جابجا داشته باشند؛ مثل اینکه در کودکی و هفت سال اول به او سخت بگیرند و با رگبار دستورها و آموزش‌ها آقایی و سیادتش را خدشه‌دار کنند، یا در هفت سال دوم در قبال ادب کردن و عباد کردن او سهل‌انگار باشند، یا در هفت سال سوم به او استقلال کاری و شخصیتی ندهند و از استعدادش در مسئولیت‌های خانه یا محیط اجتماع استفاده نکنند.

کودکانی که در هفت سال اول طعم «سید بودن» را چشیده‌اند، در هفت سال دوم، از نظر روحی برای حرف‌شنوی و پذیرش دستورها و آموزش‌ها و تکالیف آماده‌اند. جالب اینجاست که «سن تکلیف شرعی» نیز در همین دوره است.

۳۱ هفت سال سوم (۱۴ تا ۲۱ سالگی) هفت سال «وزارت» و «به‌کارگیری» فرزندان است. در این سن کم‌کم باید مسئولیت‌های گوناگون اجتماعی و فرهنگی را به جوانان سپرد و به آن‌ها بها داد و از مشورت آن‌ها نیز به‌عنوان وزیر استفاده کرد. اگر جوانی در دو دوره قبلی خود با رویکرد درست تربیت شده باشد، در این سن آماده پذیرش مسئولیت و ورود در عرصه اجتماعی

پی‌نوشت

۱. همین روایت در کتاب «مکارم الأخلاق» و نیز در نسخه «بحار الأنوار» با تعبیر «یرخی...» آمده است که به معنی «آزاد گذاشتن» کودک در این سن است. این تعبیر کاملاً مشابه عبارت روایت دوم است که در آن هفت سال اول را «دوره آقایی» کودک می‌نامد.
۲. من لا یحضره الفقیه، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۴۹۳.
۳. مکارم الأخلاق، حسن بن فضل طبرسی (شیخ طبرسی)، انتشارات شریف رضی، قم، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۲۲۲.

انقلاب ما

رسول ساری - دانش پژوه سطح ۳ حوزه علمیه قم
دانشجوی دکتری علوم سیاسی

فخر انقلاب اسلامی گریز
از خم

رهبر انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله‌علیه، این روز بزرگ را گرامی بداند و به استکبار جهانی و دست‌نشانندگان آن در منطقه که از همان روز اول پیروزی انقلاب تاکنون تلاش کرده‌اند این انقلاب را سرنگون کنند، سیلی محکمی بزنند.

عظمت انقلاب اسلامی در تغییر معادلات منطقه‌ای از زمان پیروزی آن در سال ۱۹۷۹م آشکار است. این انقلاب یک سال پس از امضای پیمان کمپ دیوید توسط انور سادات و مناخیم بگین در سال ۱۹۷۸ به پیروزی رسید و باعث شد رژیم صهیونیستی که سفارت خود را در قاهره به دست آورده بود، بزرگ‌ترین سفارت خود در خاورمیانه را در تهران از دست بدهد. این سفارت پس از انقلاب اسلامی به سفارت فلسطین تبدیل شد. همچنین آمریکا که از محمدرضا پهلوی به عنوان نگهبان خلیج فارس و متحد اصلی رژیم صهیونیستی استفاده می‌کرد، با سقوط

جشن‌های روزهای اخیر، جشن ۴۵ سالگی

پیروزی انقلاب اسلامی ایران بود؛ انقلابی

که توسط رهبر فقید و بزرگ آن، امام خمینی رحمته‌الله‌علیه، در سال ۱۳۵۷ به پیروزی رسید.

ایشان پس از بازگشت از تبعید در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ (اول فوریه ۱۹۷۹م) با استقبال

میلیونی مردم ایران مواجه شدند. این استقبال که بیش از شش میلیون نفر

از مردم مبارز و خانواده‌های شهدا و مجروحان از نظام طاغوتی پهلوی در آن

شرکت داشتند، آغازگر دهه‌ای از جشن‌ها به نام «دهه فجر» بود که در نهایت به اعلام

روز «پیروزی انقلاب اسلامی» در ۲۲ بهمن منجر شد. بدون شک این انقلاب مبارک از

نعمت‌های الهی است که خداوند به مردم ایران و تمام مستضعفان و آزادی‌خواهان

جهان عطا کرده است.

در این روز مبارک، هر سال میلیون‌ها نفر از مردم ایران و آزادی‌خواهان جهان

به خیابان‌ها می‌آیند تا با تجدید بیعت با

آمریکا با حمله به نفت‌کش‌های ایرانی و سرنگونی هواپیمای مسافربری ایران، جنایات بسیاری مرتکب شد.



درحالی‌که جمهوری اسلامی ایران درگیر جنگ (= دفاع مقدس) بود، رژیم صهیونیستی به لبنان حمله کرد و تا بیروت پیشروی کرد. اما با حمایت همه‌جانبه و کمک مقاومت اسلامی لبنان، این اشغال در سال ۲۰۰۰ با پیروزی مقاومت و خروج بی‌قید و شرط نیروهای صهیونیستی از لبنان به پایان رسید.

نظام شاهنشاهی، بزرگ‌ترین ضربه را در تاریخ استعمار خود متحمل شد. از آن زمان تاکنون، آمریکا و رژیم صهیونیستی به‌همراه برخی حُکام خلیج فارس تلاش کرده‌اند تا این انقلاب را سرنگون کنند؛ اما موفق نشده‌اند.

آمریکا بلافاصله پس از انقلاب، جنگی را به جمهوری اسلامی ایران تحمیل کرد تا با نابودی توان نظامی ایران، انقلاب را در نطفه خفه کند. آن‌ها ابتدا از محمد ضیاء‌الحق، رئیس‌جمهور پاکستان، خواستند به ایران حمله کند؛ اما او این درخواست را رد کرد. سپس این مأموریت به صدام حسین، عامل آمریکا، سپرده شد که در سپتامبر ۱۹۸۰ حمله غافلگیرانه‌ای به ایران کرد. این جنگ هشت سال طول کشید و در اوت ۱۹۸۸ با استفاده گسترده صدام از سلاح‌های شیمیایی و دخالت مستقیم آمریکا به پایان رسید. در طول این جنگ،

قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس، نقش مهمی در این پیروزی داشت. پس از شکست‌های متعدد آمریکا و رژیم صهیونیستی در برابر جمهوری اسلامی ایران، در سال ۲۰۱۱ جنگ بزرگی را علیه سوریه آغاز کردند تا محور مقاومت را تضعیف کنند. آن‌ها با استفاده از

سپس در سال ۲۰۰۶، رژیم صهیونیستی جنگ دیگری را علیه لبنان آغاز کرد تا حزب‌الله را نابود کند؛ اما با مقاومت قهرمانانه‌ای مواجه شد و حزب‌الله پس از ۳۳ روز به پیروزی بزرگی دست یافت. این پیروزی بدون حمایت جمهوری اسلامی ایران از مقاومت امکان‌پذیر نبود. شهید



تا با ایجاد ناآرامی‌های اخیر در ایران، انقلاب را تضعیف کنند؛ اما مردم ایران با ایمان و بصیرت خود و با رهبری حکیمانه امام خامنه‌ای علیه السلام، این فتنه‌ها را خنثی کردند. بدون شک آنچه در این مقاله بیان شد، تنها بخشی از حملات و توطئه‌هایی است که جمهوری اسلامی ایران در طول چند دهه گذشته با آن مواجه بوده است. اگر این انقلاب نبود، نقشه خاورمیانه کاملاً متفاوت بود و رژیم صهیونیستی از فرات تا نیل حکومت می‌کرد. اما امروز این رژیم با محور مقاومتی قدرتمند مواجه است که نفس‌هایش را به شماره انداخته است.

در واقع انقلاب اسلامی ایران نه تنها یک تحول داخلی بود، بلکه تأثیرات عمیقی بر منطقه و جهان گذاشت. این انقلاب با احیای روحیه مقاومت و مبارزه با استکبار جهانی توانست معادلات قدرت در خاورمیانه را تغییر دهد و الهام‌بخش جنبش‌های آزادی‌بخش در سراسر جهان

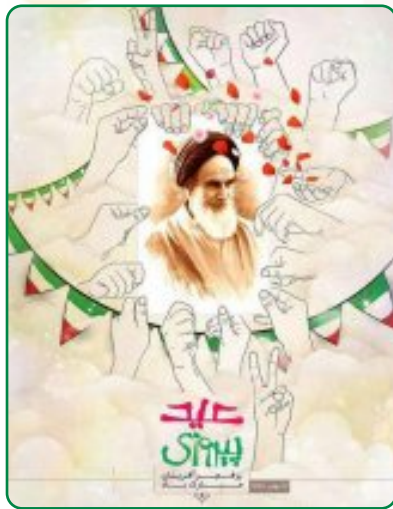
تروریست‌های تکفیری و حمایت بیش از ۸۸ کشور تلاش کردند تا سوریه و عراق را نابود کنند و یک دولت تکفیری در منطقه ایجاد کنند. اما پس از ده سال جنگ، خداوند این آتش را به دست کسانی که دوستشان داشت، خاموش کرد.

در سال ۲۰۱۶، ترکی الفیصل، رئیس سابق استخبارات عربستان، در اجلاس سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در پاریس شرکت کرد و خواستار سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران شد. او و جان بولتون، مشاور امنیت ملی سابق آمریکا،^۲ وعده دادند که به زودی در

تهران جشن خواهند گرفت؛ اما **﴿إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا﴾**^۳

و امروز ما در چهل و پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی هستیم و آنان همچنان در رؤیاهای به خاک سپرده شده. دشمنان پس از شکست‌های متعدد، آخرین برگ‌های خود را رو کردند و کوشیدند

سالروز پیروزی انقلاب اسلامی را تعظیم شعائر الهی می‌دانیم: ﴿ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظِمَ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾.^۱
این عید عید آزادگان و مستضعفان و شادی مؤمنان، و غصه منافقان و حاسدان و مستکبران و دشمنان انسانیت و دین است.



شود. امروز و پس از گذشت ۴۵ سال از پیروزی انقلاب، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای و جهانی، نقش کلیدی در مقابله با ظلم و استکبار ایفا می‌کند. پیروزی‌های مقاومت در لبنان و سوریه و یمن و دیگر نقاط منطقه، نشان‌دهنده تأثیرات ماندگار انقلاب اسلامی است.

آنچه دشمن را نگران می‌کند، تنها توان نظامی پیشرفته محور مقاومت نیست؛ بلکه تفکر و راه انقلاب اسلامی است که رهبران این محور به آن پایبند هستند و ایمان دارند که پیروزی برای آن‌هاست: ﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ * وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا * فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا﴾.^۲ بنابراین گرامیداشت

پی‌نوشت

۱. رک: تانباک: <https://b2n.ir/x05903>

۲. رک: خبرگزاری فارس: <https://b2n.ir/92663>

۳. نساء / ۷۶.

۴. نصر / ۱-۳.

۵. حج / ۳۲.

وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ

و خدا سکیبایان را دوست دارد

از عمران ۱۶۱



اجر شهید

محمد حسین قدیری
دانش آموخته سطح ۳ حوزه علمیه
کارشناس ارشد روانشناسی

گرفت و گفت: من راهی قم هستم و جای خالی دارم. می توانم شما را هم ببرم. با هم به سمت قم به راه افتادند. در مسیر ماشینی از جاده مقابل منحرف شد و با نوربالا به سمت آن ها آمد. راننده جوان به ناچار برای اینکه جان سالم به در

حافظ قرآن بود و جوان. ماشینی کرایه کرده بود تا مشهد مشرف شود. بعد از زیارت، برای دیدن والدینش به زادگاهش، اصفهان، رفت. چند روزی کنار آن ها بود و هنگام بازگشت به قم فهمید که دوستش از قم به اصفهان آمده است. با او تماس

بود، به دلیل نگرانی از سرمایه‌اش، دائم تماس می‌گرفت که سریع تکلیف ماشین من را روشن کنید؛ به آن نیاز دارم.

هزینه‌های درمان بسیار سنگین بود. در بین دوستان و اقوام، کمتر کسی به فکر حمایت مالی او بود. یکی از پزشکان معالج هم، به بهانه‌های مختلف، دنبال زیرمیزی بود که او قبول نکرد و او هم به همین دلیل از سرکشی به بیمارانش طفره می‌رفت. پزشک متدین دیگری در زمان‌های مختلف بر بالین بیمارانش حاضر می‌شد و از آن‌ها می‌خواست که وقتی دعا می‌کند، بیمارانش آمین بگویند؛ چراکه دعای بیمار به استجابت نزدیک‌تر است!

روزی این پزشک بعد از دعای ندبه در حرم **حضرت معصومه علیها السلام** طلبه جوان را دید و از حال خودش و بیمارانش و وضعیت اقتصادی او پرسید. گفت: به فامیل بگویید که صلح‌رحم فقط دیدوبازدید نیست و اگر زیربالش را در این سختی‌های

ببرند، فرمان رابه‌شانه‌های خاکی اتوبان کشید. ماشین چپ کرد و چندین معلق زد.



دفتر روزگار حوادث بسیار تلخی برای این حافظ قرآن و طلبه جوان رقم زد: دوستش از دنیا رفت، لگن فرزندش شکست، چهارده‌ساله‌ی دختر خردسال دوستش آسیب شدیدی دید و همسر خودش هم قطع نخاع شد.

ازسویی دنبال مراسم ترحیم دوستش بود و درگیر چندین بیماری که در بیمارستان بستری شده بودند. اصلاً درد خودش فراموشش شده بود. تازه چند روز بعد متوجه شد بدنش به شدت کوفته شده و دستش شکسته. ازسویی دیگر، صاحب ماشین که متوجه تصادف شده

بگویم. ایشان گفتند: اگر بر این مصائب خویشتن دار و صبور باشید، ضمانت می‌کنم به‌ازای هر روزِ اجر شهیدی ببرید. از محضر آن استاد اخلاق که بیرون آمدم، درست بود که چیزی از حجم مصائب و گرفتاری‌هایم کاسته نشده بود، ولی حس کردم سخنان او مایهٔ امیدواری و دل‌گرمی‌ام شده. در خودم تاب و توان زیادی حس می‌کردم. تصمیم گرفتم با اعتماد و توکل بر خدا و توسل به ائمه و امام زمان علیه السلام، کمر همت ببندم تا هرطور شده این زمستان سرد و سوزان را تحمل‌کنم تا با یاری خدا به بهار سرسبز وعدهٔ الهی برسم.

گر طیبیانه بیایی به سر بالینم

به دو عالم ندهم لذت بیماری را

روزگار نگیرند، ممکن است برایشان گرفتاری به‌وجود بیاید.

چند سال بعد، از این طلبه، که مدیر یکی از شعبه‌های جامعهٔ القرآن اصفهان بود و جلسات تفسیرش بین متخصصان زبانزد است، پرسیدم: چطور آن روزگار سخت را در آن سن پشت سر گذاشتی؟! گفت: با لطف خدا. روزی فشار زندگی تاب و طاقتم را برده بود. نزد استاد اخلاق آیت‌الله مظاهری رحمته الله علیه رفتم و شرایطم را برایشان گفتم. ایشان ابتدا فکر کردند برای کمک مالی نزدشان رفته‌ام. گفتم: واقعیت این است که با این مصیبت‌ها می‌ترسم، خدای ناکرده، به‌خدا بدبین و ناسپاس شوم و کفر

پی‌نوشت

۱. امام صادق علیه السلام فرمودند: هرگاه به عیادت بیمار رفتید، از وی بخواهید برایتان دعا کند؛ زیرا دعای او [در اجابت] همانند دعای فرشتگان است (اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۱۱۷).



فراخوان مقالات

ماهنامه خانواده‌مبلمان

مرکز پژوهش‌های تبلیغی مجتمع آموزشی پژوهشی تبلیغ
در نظر دارد مقالاتی با موضوعات ذیل ویژه خانواده طلاب و مبلمان (همسران و فرزندان)
در ماهنامه «خانواده مبلمان» به چاپ برساند.

موضوعات فراخوان:

۱. بیان تجربیات تبلیغی خانواده مبلمان و روحانیون؛
۲. تفریحات سالم برای خانواده مبلغ در محیط تبلیغی؛
۳. کودکی و نوجوانی فرزندان مبلمان؛ ویژگی‌ها و نیازها؛
۴. مدیریت روابط خانواده طلاب و مبلمان با خویشاوندان؛
۵. تبیین ارزش و آثار تبلیغ برای خانواده و فرزندان مبلمان؛
۶. تبیین ظرفیت‌های تبلیغی اعضای خانواده طلاب و مبلمان؛
۷. نیازهای آموزشی، مهارتی و هنری خانواده طلاب و مبلمان؛
۸. فضای مجازی، فیلم‌های خانگی، بازی‌های رایانه‌ای و چالش‌های پیش رو؛
۹. راهکارهای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در محیط تبلیغی و خانواده؛
۱۰. راهکارها و زمینه‌های اشتغال همسران طلاب و مبلمان (تحصیلی، تبلیغی و اشتغال خانگی).

امتیازات

- ❖ پرداخت حق‌التألیف
- ❖ چاپ مقاله به نام نویسنده
- ❖ صدور گواهی و تأییدیه چاپ
- ❖ برای نهادها و مراکز

شرایط مقالات

- ❖ حداکثر حجم مقالات ۱۰۰۰ کلمه تایپ شده؛
- ❖ دارای نوآوری و خلاقیت؛
- ❖ مناسب خانواده طلاب و مبلمان؛
- ❖ ارائه راهکار در محتوای مهارتی.

از عموم طلاب (برادران و خواهران) علاقمند و صاحب نظر، دعوت می‌شود
مقالات و آثار علمی خود را به دفتر مجله ارسال نمایند.

راه‌های ارتباطی



۰۲۵-۳۱۳۳۵۶۵

@esfahani_ess

www.mobaleghankhanvade.ismc.ir



● با مراجعه به هر کانال می توانید از محتوا و

مقالات نشریات مرکز پژوهش‌های تبلیغی مجتمع

آموزشی پژوهشی تبلیغ به صورت رایگان استفاده کنید.

۱ کانال آرشیو ماهنامه سفیر-امین:

<https://eitaa.com/safiraminMagazine>

۲ کانال ماهنامه خانواده-مبلغان:

<https://eitaa.com/khanevademoballegghan>

۳ کانال فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات-تبلیغ-دینی:

<https://eitaa.com/fmtd1401>

۴ خبرنامه تحلیلی-سیاسی منبا:

<https://eitaa.com/manba313>

۵ مجموعه کتاب‌های-تبلیغی:

<https://eitaa.com/mktabt>

۶ نشریه دیواری نسیم-تبلیغ:

<https://eitaa.com/nasimetabligh>

